

سال نو تبدیل نو



هدیه‌ای پر از محبت
آیا خدا وجود دارد؟
طیب محبوب من
موفقیت زناشویی
چطور همسر خسیس خود را درمان کنیم؟
آموزۀ بخشش

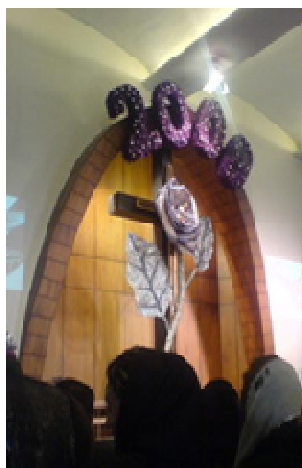
سال چهارم شماره ۳۹ ژانویه ۲۰۰۹

www.TabdilMagazine.blogfa.com

تبدیل
ماهیانه



سازنومساک



گل بزرگ و زیبایی بود که محراب کلیسا و صلیب بلند آن را پوشانده بود و در میان غنچه آن تولد مسیح را به نمایش گذاشته بود به شایستگی مراسم امسال را برگزار نمودند و دوستان مسیح را شاد ساختند. انتظار می‌رود سرودهای پرستشی که گروه گر امسال اجرا کرد هواخواهان زیادی را برای

استماع پیدا کند یکی از ترانه‌های زیبا چنین مضمونی داشت: کاش امسال باشد در کریسمس همه چیز سفید همچون برف روزهای شاد و عالی با او زیبا و بیاد ماندنی



امسال در حاشیه مراسم برخلاف سالهای قبل ایمانداران و شرکت کنندگان ملزم به تهیه کارت ورود به کلیسا بودند و بدون آن ورود به کلیسا ممنوع بود که تعداد بسیاری از مشتاقان پشت در اجتماع کرده بودند و حتی بعضی از ایمانداران شهرستانی که موفق به دریافت کارت نشده بودند نتوانستند در مراسم حضور پیدا کنند. امسال پذیرایی سنتی چند سال پیش نیز از قلم افتاده بود و فقط بابانوئل بود که با هدایای خویش کودکان را به دور خود جمع کرده بود و باعث شور و حالی در بین بچه‌ها شده بود. این مراسم و برنامه جشنهای کریسمس در کلیسا در روزهای آتی هم ادامه خواهد داشت و در روزهای آینده همراه با جشن سال نو نیز برگزار خواهد شد و همچنین روزی نیز برای ایمانداران رسمی کلیسا قرار داده شد که خواهند یافت. دعایم کنیم در سال جدید برکت خداوند همراه ایمانداران این کلیسا باشد. آمین. مراسم کریسمس همچنین در دیگر کلیساهای تهران همچون حضرت یوسف، عمانوئیل، برادران آشوری، پولس رسول، انجیلی قلهک، انجیلی نور، پطرس و همچنین در کلیساهای کاتولیک ارمنی و آشوری با شکوه برگزار شد، اما کلیساهای ارتدوکس ارمنی و روس روزهای آرامی داشتند و مراسم آنها طبق سنت گذشته در روزهای شش و هفت ژانویه برگزار خواهد شد و همچنین کلیسای پرزبتری کره‌ای در تهران زمانی برای برپایی مراسم اعلام نکرده است. طبق گزارش دریافتی، همچنین به همین مناسبت گردهمایی ایمانداران کلیساهای خانگی در گروه‌ها و دسته‌های کوچک نیز برگزار شد. در شهرستانهای کشور عزیزمان ایران نیز مراسم کریسمس در کلیساهای انجیلی و پنتیکاستی و کلیساهای خانگی برگزار شد. شاد کامی، برکت، و پیروزی مسیحیان رادر سرتاسر جهان خواستاریم و برای کلیسای ایران دعایم کنیم که همچنان پر قدرت در کلام و روح خداوند مسیح و نجات‌دهنده عالم به پیش بری اهداف و نقشه‌های خداوند برای ایران و ایرانیان بیندیشند و برکت و جلال مسیح همیشه با زندگی آنها همراه باشد.

با تشکر از کمپانی Ridgeline Express INC. که با حمایت مالی خود ما را در چاپ ماهنامه تبدیل در ماه ژانویه یاری دادند.



پخش زنده برنامه تلویزیونی سیمای مسیح هر دوشنبه ساعت ۹ صبح به وقت لس آنجلس در شبکه محبت

آدرس اینترنتی: www.SimaMasih.com www.Mohabat.tv

گزارشی از برگزاری مراسم جشن کریسمس در کلیسای تهران

در تاریکی نوری درخشید ستاره‌ای کوچک می‌خندد گرچه بوی غم گیتی را آکنده است لیک ظلمت رود چون آن طفل آید...

به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان، مراسم جشن و شادی کریسمس امسال نیز با یک فضای معنوی و سرشار از حضور روح خداوند و با عطر دل‌انگیز خاطره تولد منجی آسمانی در بیت لحم در کلیسای مرکزی جماعت ربانی برگزار شد و ایمانداران با شادی و سرور و دست افشانی در همنوایی فرشتگان آسمانی که می‌خواندند "امروز نجات دهنده برای شما از بیت لحم ظهور خواهد کرد سهیم شدند". در این مراسم باشکوه که در روزهای ۲۵ و ۲۶ دسامبر برگزار شد، در ابتدا کشیش سوریک درباره پیام زیبا و مقدس کریسمس اینگونه شرح دادند که: طبق انجیل متی آمده مجوسیانی از مشرق زمین بنا بر وایتی اندیشمندانی از ایران جزو اولین کسانی بودند که مژده تولد ستاره و منجی عالم را از طریق خداوند دریافتند و راه طولانی را در پی ستاره خویش پیمودند و ابتدا در قصرها و خانه‌های مجلل بدنال آن نجات بخش گشتند اما در نهایت در آغلی محقر در بیت لحم مسیح نوزاد را در قردادی یافتند و در روی پیش وی به سجده افتادند و هدایای خود را به وی پیشکش نموده و روی وی را بوسیدند و بی اندازه از یافته خود شادمان شدند اما چون خواستند به سرزمین خویش بازگردند خداوند در رویا به ایشان گفت که از راه دیگری بازگردند چون هیرودیس نیز به دروغ به ایشان گفته بود آنگاه که کودک را یافتند آمده و وی را نیز خبر دهند که رفته و پادشاه نوزاد یهودیان را پرستش نمایند. و این است آن پیمان کریسمس که اگر در پی یافتن خداوند باشی خداوند نیز مسیر زندگی تو را عوض خواهد کرد و راهی نو، ایمانی نو، و تفکری نو به شما خواهد بخشید و شما را ملزم خواهد نمود از شادی و صلح و روز بزرگ خداوند برخوردار شوید.

همچنین آقای ادموند از کلیسای مجیدیه، دعای روز کریسمس را برای حضار خواند و برای کلیه ایمانداران، کریسمس و سال نو مسیحی خوبی را آرزو کرد. پس از آن نیز آقای آرتاک از خوانندگان خوش صدای کشور ارمنستان که به دعوت کلیسای جماعت ربانی امسال به ایران آمده بود با ترانه زیبایی به زبان ارمنی در باره میلاد و خداوندی مسیح، ایمانداران را به وجد آورد. سپس نیز گروه ارکستر کلیسا که امسال با طرح جدیدی از ترانه‌ها و شادخوانی به میدان آمده بود در همسرانی و گر هماهنگ سالن کلیسا را به لرزه در آورد و فضای روحانی و زیبایی از تولد مسیح را که ملهم از



یاران مهربان و گرمی درو‌ها و سلامهای گرم من و همکاران مرا در این آغازین روزهای سال جدید ۲۰۰۹ بپذیرید. آرزو دارم روزهایی را که در پیش داریم اوقات شیرین، پر برکت و آرامی برای فرد فرد شما عزیزان و خانواده گرامیتان باشد.

همانطور که مستحضر هستید، سال ۲۰۰۸ با تمام پستی و بلندیهایش و با تمام روزگار خوش آن به اتمام رسید و ورقی دیگر بر صفحه روزگار ما انسانها رقم خورد. ما در حالی این روزهای اولیه سال جدید را پشت سر میگذاریم که نه تنها از اخبار جنگها و درگیریهای آن کاسته نشده است، بلکه این موضوع یکی از نکاتی است که بسیاری از مردم را نگران ساخته است. اما شکر خدای را که همچنان کنترل همه چیز در دستهای اوست. چنانکه آمده است؛

شکر و سپاس و منت و عزت خدای را پروردگار خلق و خداوند کبریا دادر غیب دان و نگهدار آسمان رزاق بنده پرور و خلاق رهنا

حضرت داود در مزامیر خود می‌فرماید، من جوان بودم و الآن پیر هستم و مرد صالح را هرگز متروک ندیده‌ام/ و نه نشلس را که گدای نان بشوند. همچنین می‌فرماید؛ چشمان خود را بسوی کوهها برمی‌افرازم، ای که (خداوند) بر آسمانها جلوس فرموده‌ای...

عزیزان، بیانید در این سال جدید ما هم با کلام خدا یکدل شده، باور کنیم که خدا برای خاصان خودش رؤیاها و برکات نیکویی دارد. کافیت که ما نیز چشمان خود را بسوی خدا برافرازیم، به ملکوت او بیاوریم و در پی برقراری صلح و آرامش در بین اطرافیان خود باشیم. سال نو میلادی مبارک باد.

لس آنجلس ژانویه ۲۰۰۹
التان باخستانی

حمایت مالی شما را از ماهنامه تبدیل پذیر ایمیم.

ماهنامه تبدیل

مدیر مسئول: التان باخستانی
ناشر: سازمان خدماتی ایران برای مسیح
ویراستار: ع. راد

TEL: 818. 522.1525

Tabdil@IRANforCHRIST.com
www.IRANforCHRIST.com
www.Tabdilmagazine.blogfa.com

Iran for Christ Ministries

P. O. Box: 371043 Reseda, CA 91337 USA

این ماهنامه حق دارد که مقالات و آگهی‌ها را چاپ کرده و یا رد کند
We have the right to refuse publishing.



P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

حدود یکسال و نیم پیش وقتی خواهرم از مسیح به من گفتم. سخنانش را قبول نمی‌کردم آنها همه درست بود ولی من اهمیت نمی‌دادم و حاضر نبودم بپذیرم تا اینکه حدود یازده ماه پیش به بیماری سرطان مبتلا شدم. باید درمان می‌کردم و تحت شیمی درمانی قرار می‌گرفتم روحیه‌ام را باخته بودم و مرتب گریه می‌کردم. هیچ راهی نداشتم. با ناراحتی روزهایم می‌گذشت، از خدا خواستم که اگر خواهرم راست می‌گوید، حقیقت را در خواب ببینم. درست شب قبل از عمل خواب دیدم. خوابی که شاید زندگی من را عوض کرد. خواب دیدم که در بیمارستان داخل اتاق عمل بودم تمام دکترها بالای سرم بودند و خودم را می‌دیدیم. مسیح هم بالای سرم بود. در عالم خواب پرسیدم چه می‌کنید؟ گفتند: تو را عمل می‌کنند. گفتم چه عملی؟ گفتند عمل قلب! قلب مسیح را به تو پیوند می‌زنند. با چشمهای خود می‌دیدم که قلبم را پیوند می‌زنند. وقتی از خواب بلند شدم گریه می‌کردم. باورم نشد. حس می‌کردم مسیح هم نگران من بود حس می‌کردم هر جا هستم با من است و من را تنها نمی‌گذارد. خوشحال بودم خیلی خوشحال! من از همان موقع شفاي خود را گرفتم و میدانستم این مریضی من عاملی بود تا مسیح را بشناسم و باور کنم که هست. و با وجود او بود که تمام سختیهای این دوران را تا اکنون پشت سر گذاشتم و یاد و عشق او هرگز لحظه‌ای من راو تنها نمی‌گذارد. نگین



و اوسدها و امتیازات بسیاری را به بار آورد. وقتی در شهر فیلادلفیا هستید، به کلیسای Temple Baptist Church که ۳۳۰۰ نفر ظرفیت دارد سری بزنید و همچنین از دانشگاه Temple University که تا به حال هزاران فارغ التحصیل داشته نیز دیدن کنید. همچنین بیمارستان سامری نیکو (Samaritan Hospital Good) و مرکز "کانون شادی" که صدها کودک زیبا در آن هستند را ببینید. مرکز "کانون شادی" به این هدف ساخته شد که هیچ کودکی در آن حوالی روزهای یکشنبه را خارج از آن محیط باقی نماند. در یکی از اتفاقات همین مرکز می‌توانید عکسی از صورت زیبا و شیرین آن دخترک ببینید که ۵۷ سانت پولش، که با نهایت فداکاری جمع شده بود، چنین تاریخ حیرت‌انگیزی را رقم زد. در کنار آن، تصویری از آن کشیش مهربان، دکتر راسل اچ. کانول که نویسنده کتاب "گورستان الماسها" است به چشم می‌خورد. این یک داستان حقیقی بود که نشان می‌دهد خداوند قادر است که چه کارهایی با ۵۷ سانت انجام دهد.



دشمن چون از همه حیلتی فرو ماند
سلسله دوستی بجنبانند.
پس آنگه به دوستی کارها کند
که هیچ دشمنی نتواند. سعدی



هدیه‌ای پر از محبت

روزی دختر کوچکی کنار یک کلیسای کوچک محلی ایستاده بود؛ دخترک قبلاً بیکار آن کلیسا را ترک کرده بود چون به شدت شلوغ بود. همانطور که از جلوی کشیش رد شد، با گریه و هق هق گفت: "من نمیتوانم به کانون شادی بیام!" کشیش با نگاه کردن به لباسهای پاره پاره، کهنه و کثیف او تقریباً توانست علت را حدس بزند و دست دخترک را گرفت و به داخل برد و جایی برای نشستن او در کلاس کانون شادی پیدا کرد. دخترک از اینکه برای او جا پیدا شده بود بی‌اندازه خوشحال بود و شب موقع خواب به بچه‌هایی که جایی برای پرستیدن خداوند عیسی نداشتند فکر می‌کرد. چندسال بعد، آن دختر کوچک در همان آپارتمان فقیرانه اجاره‌ای که داشتند، فوت کرد. والدین او با همان کشیش خوش قلب و مهربانی که با دخترشان دوست شده بود، تماس گرفتند تا کارهای نهایی و کفن و دفن دخترک را انجام دهد. درحیثی که داشتند بدن کوچکش را جا به جا می‌کردند، یک کیف پول قرمز چروکیده و رنگ و رو رفته پیدا کردند که به نظر می‌رسید دخترک آن را از آشغالهای دور ریخته شده پیدا کرده باشد. داخل کیف ۵۷ سنت پول و یک کاغذ وجود داشت که روی آن با یک خط بد و بچگانه نوشته شده بود: "این پول برای کمک به کلیسای کوچکمان است برای اینکه کمی بزرگ‌تر شود تا بچه‌های بیشتری بتوانند به کانون شادی بیایند." این پول تمام مبلغی بود که آن دختر توانسته بود در طول دوسال بعنوان هدیه‌ای پر از محبت برای کلیسا جمع کند. وقتی که کشیش با چشمهای پراز اشک نوشته را خواند، فهمید که باید چه کند؛ پس نامه و کیف پول را برداشت و به سرعت سمت کلیسا رفت و پشت منبر ایستاد و قصه فداکاری و از خود گذشتگی آن دختر را تعریف کرد. او احساسهای مردم کلیسا را برانگیخت تا مشغول شوند و پول کافی فراهم کنند تا بتوانند کلیسا را بزرگ‌تر بسازند. اما داستان اینجا تمام نشد یک روزنامه که از این داستان خبردار شد، آن را چاپ کرد. بعد از آن یک دلال معاملات ملکی مطلب روزنامه را خواند و قطعه زمینی را به کلیسا پیشنهاد کرد که هزاران هزار دلار ارزش داشت. وقتی به آن مرد گفته شد که آنها توانایی خرید زمینی به آن مبلغ را ندارند، او حاضر شد زمینش را به قیمت ۵۷ سنت به کلیسا بفروشد. اعضای کلیسا مبلغ بسیاری هدیه کردند و تعداد زیادی چک پول هم از دور و نزدیک به دست آنها رسید. در عرض پنج سال هدیه آن دختر کوچک و تبدیل به ۲۵۰۰۰۰ دلار پول شد که برای آن زمان پول خیلی زیادی بود (در حدود سال ۱۹۰۰). محبت فداکارانه



شرلی لوین که سابقاً در فیلم‌های مبتذل نقش داشت، بعد از این که به عیسی مسیح ایمان آورد از زندگی و کار گناه آلود خود توبه کرده و بر علیه کمپانیهای سینمایی که مشغول تهیه فیلمهای مبتذل و ضد اخلاقی هستند، جنگ خود را شروع کرده است.

پس از هفت ماه مداوا از زخمها و آسیبهای روانی که در این صنعت گناه آلود به آنها دچار شده بود، شرلی مأموریت خود را بر ضد فیلمهای مبتذل آغاز کرده تا شاید پیام او کمکی در جهت گسستن بندهای بسیاری، که اسیر سکس و مسائل جنسی هستند باشد. اوسمی بر کشف این حقیقت بر جامعه آمریکا دارد که صنعت بیلیون دلاری سکس و فیلمهای ضد اخلاقی، درصدد نابودی خانواده‌ها از طریق دروغ و اغوا کاری میباشد. او در وب سایت خود که در راستای این مأموریت تهیه کرده است: میگوید بعضی از این قریبیهایی که از این صنعت میشوند این است که فیلمهای سکسی هیچ ضرری ندارند. ولی طبق آمارهای موجود در سال ۲۰۰۵، ۷۱ میلیون نفر از سائیتاهی مبتذل بازدید کرده‌اند و این تعداد ۴۲.۷ درصد از کل استفاده کنندگان اینترنت میباشد. اگر در آمد این صنعت را با کمپانی ماکروسافت مقایسه کنیم باید گفت که در سال ۲۰۰۴ این کمپانی با فروش سیستم عامل و همراه دیگر محصولات خود به درآمدی به مبلغ ۳۶.۸ میلیون دلار رسیده است. با مقایسه این آمار و ارقام میتوان رشد این صنعت را در جامعه آمریکا به وضوح دید. نه تنها سائیتها و فیلمهای مبتذل اعتیادآور میباشد بلکه دروغهای بسیاری نیز در مورد زن و مقام آن در بین خانواده‌ها ترویج میکند. این صنعت نه تنها از زن بعنوان کالا جهت فروش و سود استفاده میکند بلکه ارزش زن در جامعه را نیز پایین می‌آورد. آنها زن را تبدیل به یک کالا و وسیله‌ای در جهت ارضای شهوات جسم می‌گردانند و سعی دارند این حقیقت را که زن‌ها، انسانهایی هستند با ارزش و دارای احساس و احترام، مخفی سازند. نتیجه این فیلمها و وب سائیتها، تزیق این طرز تفکر در بین مرد‌ها و در زندگی روزمره آنها میباشد. این صنعت که چون مرض رشد میکند، در تمام دنیا ریشه پیدا کرده است و بسیاری را در تمام نقاط جهان مسموم گردانیده است.

شرلی که اکنون صاحب خانواده و فرزند میباشد، داستان نجات خود را از این اسارت ۱۰ ساله و چگونگی ایمان خود به یگانه منجی اش، عیسی مسیح را در مجالس، کنفرانسه‌ها، کلیساهای تلویزیونی، رادیو، اینترنت، زندان‌ها و هر جای ممکن و از طریق هر وسیله ممکن به گوش جهانیان میرساند.



اسقف هایک هوسپیان مهر

ایشان ناظر کلیساهای جماعت ربانی ایران از چهره‌های شناخته شده و از برجسته‌ترین شخصیت‌های جامعه مسیحیان ایران بود، اسقف هایک در ایجاد همکاری و اتحاد بیشتر بین کلیساهای پروتستان ایران نقشی کلیدی ایفا نمودند، وی در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۹۴ در حالی که عازم فرودگاه مهر آباد بود در بین راه توسط افرادی مزدور ربوده شد و مظلومانه به قتل رسید... در آخرین نامه بجا مانده از وی، زنده یاد هایک می نویسد: من آمادم که در کلیسا جان خود را تقدیم کنم باشد که دیگران بتوانند در آرامش و صلح، بدون ترس خداوند خود را نیایش کنند...

او دلیرانه تا پای جان به خاطر مسیح ایستاد و برای همه ما الگویی از شهادت و غیرت برجای نهاد.

یادش گرامی باد

نسخه دست‌نویس انجیل یوحنا به فروش میرسد

طبق گزارش به نقل از /یکنا، پایگاه اطلاع رسانی "المنار" بایان این مطلب می‌نویسد، این نسخه انجیل یوحنا به زبان یونانی نوشته شده و قدمت آن به سال ۲۰۰ میلادی می‌رسد که انتظار می‌رود مبلغ ۴۶۰ هزار دلار به فروش برسد.

تیموی بولتون کارشناس نسخه‌های خطی لندن در این باره گفت: این نسخه خطی، نخستین یادومین نسخه قدیمی متن یوحنا است که از زیباترین و مشهورترین نسخه‌های خطی انجیل به شمار می‌آید. یادآوری میشود این قطعه از نسخه خطی قدیمی انجیل یوحنا در سال ۱۹۲۲ میلادی در منطقه اکسیرنکوس مصر (۲۰۰ کیلومتری قاهره) که نخستین گروه‌های مسیحی در این مکان زندگی کرده‌اند، پیدا شده و کارشناسان نسخه‌های خطی و باستان‌شناسان معتقدند، این نسخه در شهر اسکندریه مصر نوشته شده است.



Tel: 818. 522.1525
Tabdil@IRANforCHRIST.com

آداب سخنرانی



یک سخنران، برای اینکه در ایراد سخنان خود موفق باشد، به این معنا که در شونده‌گان و بینندگان تأثیر بگذارد و آنها با خاطره‌های خوش مجلس را ترک گویند و نکات و عناوینی از سخنرانی را به یاد سپارند، میباید ملاحظاتی را مد نظر داشته و آدابی را رعایت کنند که عمده آنها به این قرار است:

آراستگی ظاهری، لباس و کلاه و عینک و آنچه که به پوشش و احیاناً زینتهای پوششی مربوط است باید متناسب با اوضاع و احوال زمانه، سن، جنس و موقعیت سخنران باشد، نه جلف و سبک. البته پاکیزگی و زیبایی متعارف از لوازم آراستگی است.

سلامت جسمی، بی‌شک بیماریهای جزئی و کلی حتی یک سر درد معمولی یا خستگی مفرط می‌تواند در نحوه ارائه یک سخنرانی تأثیر منفی بگذارد و شخص را کم توان و بی‌قرار سازد. در این وضعیتهای شونده‌گان ناسلامتی و ناراحتی ناطق را معمولاً درک میکنند و در همدردی ناخودآگاه با او کمتر به سخنانش گوش میدهند و سخنران نیز به راحتی از عهده بیان کلمات و جملات بر نمی‌آید.

ترس بیمارگونه چیست؟

"ترس بیمارگونه" به ترس مفرط و غیر منطقی از اشیا یا موقعیتهای خاص گفته می‌شود که در زندگی شخصی و اجتماعی فرد اختلال ایجاد می‌کنند. این ترس به حدی است که باعث خودداری فرد از قرار گرفتن در موقعیتهای هراس‌آور می‌شود یا حداقل به سختی می‌تواند موقعیتهای یاد شده را تحمل کند. برخورد با این اشیا یا موقعیتهای اضطراب فراوانی در فرد ایجاد می‌کند. **گاهی نمی‌توان عوامل وحشت‌زا شناخت** مرز میان ترس "منطقی" و "بیمارگونه" شناور و نامشخص است. شاید به همین دلیل باشد که مبتلایان به ترس غیرمفید خیلی دیر به فکر درمان آن می‌افتند. این افراد تازه زمانی به اختلال خود پی می‌برند که در مرحله "اختلال ترس عمومی" قرار دارند؛ مرحله‌ای که در آن فرد هم‌زمان از مفاهیم و اشیا بسیاری می‌ترسد. این حالت در نهایت به جایی می‌رسد که فرد مبتلا اعتماد به نفس خود را به‌طور کامل از دست می‌دهد.

دلایل بسیار متفاوتی برای بروز "ترس بیمارگونه" وجود دارد، به عنوان مثال تجربه‌ای ناگوار مثل سقوط هواپیما، انفجار یا چیزی شبیه به آن یا حتی ساده‌تر: گاهی حال شخص در مترو به هم می‌خورد و تأثیر بدی روی او می‌گذارد. البته انسانهایی هم وجود دارند که نمیتوان گفت ترسشان از کجا نشأت می‌گیرد. مثلاً ترس از حیوانات درنده در مناطقی که مدت‌هاست پای گرگ و خرس از زندگی روزمره انسانها بیرون رفته کمی غریب است.

آیا خدا وجود دارد؟ چه شواهدی وجود خدا را ثابت میکنند؟

کتابمقدس میگوید که هر چند وجدان ما گواهی میدهد که خدا وجود دارد، همچنان عده‌ای

حضور و وجود او را انکار میکنند: /حقم در دل خود میگوید خدائی نیست. (زمزم: ۱:۱۴) ۹۸ درصد تمام مردمی که در طول تاریخ بشریت بر زمین بوده‌اند، اعم از زمینه‌های مختلف فرهنگی، تمدنی، و منطقه‌ای به وجود نوعی خدا معتقد بوده‌اند. پس میبایستی شخصی ویا چیزی باعث شکل‌گیری چنین اعتقاد فراگیری شده باشد. ای پیهو خداوند ما، چه مجید است نام تو در تمامی زمین، که جلال خود را فوق آسمانها گذارده‌ای/ چون به آسمان تو نگاه میکنم که صنعت انگشتهای توست، و به ماه و ستارگانی که تو آفریده‌ای، پس انسان

چپست که او را به یادآوری، و بنی آدم که از او تفقد نمایی؟ او را از فرشتگان اندکی کمتر ساختی و تاج جلال و اکرام را بر سر او گذاردی. ای پیهو خداوند ما، چه مجید است نام تو در تمامی زمین!



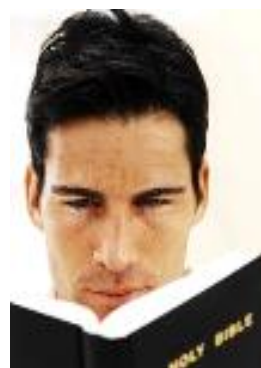
بهاذهایی برای نخواندن کتابمقدس و راه حل‌های آن



ادامه از شماره قبل...

۳) مسئله این است که آن را نمی‌فهمم. خیلی از مردم فکر میکنند که خواندن دقیق کتابمقدس کار مفسرین و دانشمندان کتابمقدس و اهل فن است. ولی در واقع این طور نیست. کتابهای راهنمای زیادی وجود دارد که میتوان از آنها برای مطالعه کتابمقدس استفاده کرد. مانند: راهنمای کتابمقدس، تفسیر کاربردی عهدجدید، دائره المعارف کتابمقدس، قاموس کتابمقدس، آیه یاب کتابمقدس و غیره. همچنین مهم است که از ترجمه های ساده تر استفاده کنید تا مفهوم کتابمقدس را بهتر بفهمید. ترجمه‌هایی مانند هزاره نو یا ترجمه تفسیری عهد جدید یا انجیل شریف.

۴) کتابمقدس خسته کننده است. این حرف را اکثر افرادی که خود کتابمقدس را نخوانده‌اند و تجربه نکرده‌اند می‌گویند و یا افرادی که نتوانسته‌اند از آن به درستی استفاده کنند. کتابمقدس خیلی متنوع است و اصلاً خسته کننده نیست. اگر ژمان می‌خواهید کتاب روت را بخوانید، اگر ماجراجویی را دوست دارید کتاب یونس یا اعمال رسولان را بخوانید. اگر جنگ را دوست دارید و داستانهای جنگی کتاب داوود را بخوانید. در کتابمقدس داستانهایی در مورد تسخیر درجنگ (کتاب یوشع) رسوایی و خجالت (داود) و بنیاد در دوم سوئیل باب (۲) و دروغ و نیرنگ (حاتیا و سفیره در اعمال ۵) یافت میشوند.



خدا در کلامش انواع مختلف چیزها را جاداده: داستان، نامه، شعر، تاریخ و نبوت. اگر طبیعت شما این است که در کتابخانه زود به کتابهای بیوگرافی جذب می‌شوید، پس با انجیل شروع کنید. اگر شعر را دوست دارید وقت خود را در بررسی مایمیر و غزل غزلها صرف کنید.

۵) من نمیتوانم کتابمقدس را چگونه می‌توانم در زندگی عملاً بکار ببرم.

www.SimaMasih.com

سیگار در ایران سالانه ۶۰ هزار قربانی می‌گیرد

بنا به داده‌های دیر کل جمعیت مبارزه با مواد مخدر در ایران، از مرگ و میر سالانه ۶۰ هزار نفر به دلیل استعمال سیگار خبر داده است. به گزارش خبرگزاری مهر، در ایران ۲۵ تا ۲۷ درصد مردان بالای ۱۵ سال سیگار میکشند، رقم زنان سیگار کش را نیز ۳ تا ۴ درصد اعلام کرده است. در میان زنان تحصیلکرده ایران استعمال سیگار رایج‌تر از سایر گروه‌های زنان است. ۱۵ درصد جمعیت ایران، یعنی ۱۰ میلیون نفر سیگاری می‌کشند و میزان مصرف سالانه سیگار در این کشور ۵۵ تا ۶۰ میلیارد نخ است. قیمت متوسط هر نخ سیگار در ایران ۲۰ تومان است و به این ترتیب، هزینه‌ای که جامعه سالانه برای این نوع از دخانیات می‌پردازد به ۱۱۰۰ میلیارد تومان می‌رسد. این در حالی است که دو برابر این رقم را دولت هر سال صرف هزینه‌های درمان بیماری‌های ناشی از مصرف سیگار می‌کند. ایران دومین کشور دنیا به لحاظ داشتن قانون جامع کنترل و مبارزه با دخانیات است. مطالعات نشان می‌دهند که در شهری مثل تهران تنها ۴ درصد مردم از وجود چنین قانونی با خبرند. بنا به قانون یاد شده، هر نوع تبلیغ، حمایت، تشویق مستقیم و غیر مستقیم و یا تحریک افراد به استعمال دخانیات، اکیداً ممنوع است و فروش یا عرضه سیگار به افراد زیر ۱۸ سال مشمول جزای نقدی می‌شود. استعمال دخانیات در امکان عمومی و وسایل نقلیه عمومی نیز ممنوع و مستوجب مجازات‌های سنگین نقدی است. افزایش ۱۰ درصدی قیمت سیگار در هر سال از طریق اعمال مالیات و صرف بخشی از این درآمدها برای آموزش جامعه نسبت به خطر کشیدن سیگار از دیگر مواد مندرج در قانون کنترل و مبارزه با دخانیات است.

هم‌پایین بودن جرائم در نظر گرفته‌شده در این قانون، از وجود چنین قوانینی و هم فشارهای اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی که زمینه مناسبی برای استعمال سیگار و مواد مخدر قوی‌تر هستند تا کنون مانع از کاهش مصرف دخانیات در ایران شده‌اند. این نیز هست که تجارت سیگار در ایران با سودهای نجومی هنگفتی همراه است که هم دولت و هم پاندهای قاچاق سیگار از آن سهم می‌برند. همین امر باعث شده که شرکت دخانیات در ایران یکی از مراکز حساس اقتصادی تلقی شود و گاه و بی‌گاه کانونی برای بروز فساد و اختلاس و پانده‌بازی باشد.

موفقیت در زندگی زناشویی



نویسنده: دیوید میس
مترجم: ط. میکائیلان

فصل چهارم

عده‌ای احساس عصبانیت را نادرست

میدانند ولی باید دانست که بسیار طبیعی است. عصبانیت عبارتست از ناراضی‌ی درباره وضع موجود. این احساس ممکن است کاملاً موقتی فاده باشد. مثلاً اگر شانه‌های خود را به در بسته‌ای بکوبید، نیروی خود را به هدر داده‌اید. اگر به علت این که از زندگی زناشویی خود ناراضی خواهید شد. ولی اگر عصبانیت شما باعث شود که اقدامی به عمل آورید که کلید در بسته پیدا شود یا تعدیلاتی در زندگی زناشویی به عمل آید، در کار خود موفق بوده‌اید. در واقع بیشتر تریقات بشر به همین طریق حاصل گردیده است. فرض کنیم که پرویز و مهین، بعد از مشاجره شدید در مورد کاغذهای روی میز، به آرامی بنشینند و از خود و از یکدیگر بپرسند که چه مشکلی دارند. ممکن است مهین بگوید "پرویز، علت عصبانیت شدید تو نمیتواند فقط همین کاغذها باشد. آیا علت عصبانیت تو چیز دیگری نیست؟" ممکن است پرویز چند دقیقه‌ای ساکت بنشیند و سپس بگوید "حق با توست." سپس مهین باید با هشیاری مشکل پرویز را پیدا کند. در این موقع تمام حقایق روشن خواهد شد. مهین که خانم هوشمندی است متوجه خواهد گردید که ناراحتی پرویز در مورد رابطه جنسی برای او و خانواده ضرر دارد. سپس اقرار خواهد نمود علت بی تفاوتی خود را نمی‌داند و دست خود او نیست. این دو به استفاده از مشاجره به موضوع و مشکل اصلی رسیده‌اند. در این موقع آنها فرصت خواهند داشت که در صورت لزوم با کمک گرفتن از اشخاص مطلع تعدیلات لازم را به عمل آورند و زندگی زناشویی خود را از خطر احتمالی نجات دهند. البته لازم نیست که تمام تعدیلات بر اثر مشاجره انجام شود و باید بدانیم که گاهی در مشاجرات ناراحتی اصلی ظاهر نمیکرد.

ادامه در شماره بعد...

سال چهارم شماره ۳۹ ژانویه ۲۰۰۹

دانشینها

۵

ماهیانه تبديل

P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

خواننده گرامی: آیا موضوعی در زندگی شما وجود دارد که احتیاج به دعای مخصوص دارید؟ تیم دعای مادر ماهنامه تبديل آماده خدمت به شما می باشد. از شما خواهیم دید مطالب دعای خود را به ما ارسال کنید تا ما با شما متحد شویم.

تلفن: ۱۵۲۵ - ۵۲۲ (۸۱۸)

Email: Tabdil@iranforchrist.com

آدرس پستی: P. O. Box: 371043 Reseda, CA 91337 USA

برای تهیه کتابمقدس به زبان فارسی با ما تماس حاصل نمایند.

۱۵۲۵ - ۵۲۲ (۸۱۸)

چطور همسر خسیس خود را درمان کنیم؟

کنترل دخل و خرج و آینده نگری اصلاً صفت بدی نیست اما بعضی از ما چنان به پول می چسبیم که جاشدن از آن محال است. روانشناسان خساست را یک نوع مشکل "روانی" می دانند چون معتقدند افراد مبتلا به این اختلال روحی- روانی در همه رفتارهایشان دچار خست و امساک هستند؛ حتی در ابراز احساسات و نشان دادن محبتشان به همسر، فرزندان و اقوام نزدیک. از این شماره به بعد تلاش میکنیم تا با خساست بعنوان یک مشکل روحی- روانی و تأثیر آن بر روابط زوجها و شیوه رفتار با همسر مبتلا به این اختلال روحی- روانی آشنا شویم.

از نظر علم روانشناسی "سخاوت روح" یکی از ویژگی های مثبت روحی- روانی و رفتاری است که تقریباً در همه افراد با اندکی تفاوت در میزان آن وجود دارد. اما در برخی افراد این ویژگی رفتاری اجازه یا فرصت بروز و ظهور پیدا نمیکند و همین ناتوانی، آنها را به فردی خسیس (اسکروج) تبدیل میکند. خساست در شیوه خرج و پس انداز کردن، رفتارهای فردی و اجتماعی، ناتوانی در برقراری ارتباط با دیگران، گوشه گیری، امتناع از حضور در جمع، توجه بیش از حد به رفتارهای دیگران و بررسی رفتارهای آنها به قصد انتقاد و... مشاهده می شود. آنها حتی در ابراز احساسات هم خساست میکنند! به این مثال توجه کنید؛ مدیر مؤسسه ای از این که کارمندان به خوبی کار می کنند، آگاه است اما خساست او اجازه نمی دهد تا با پاداش مالی یا حداقل تشویق زبانی از همکارانش تشکر و تقدیر کند.

در واقع "سخاوت" به صورت بالقوه در این فرد وجود دارد چون متوجه تلاش کارمندان می شود ولی خسیس بودن او مانع از آن می شود که سخاوتمندی اش را نشان بدهد. این نمونه یکی از هزاران نمونه ناتوانی در برقراری ارتباط با دیگران به دلیل خساست است.

ادامه در شماره بعدی

تفاوت فرقه های مسیحیت

مسیحیت به سه فرقه بزرگ: کاتولیک، ارتدکس و پروتستان، و نیز فرقه های کوچکتری تقسیم شده که اولین تجزیه آن تشکیل کلیسای ارتدکس است.

ارتدوکس: لفظ ارتدوکس یونانی و به معنای درست اعتقاد است. و مخصوصاً در مورد پیروان ایمان مسیحی طبق اعتقادات ماها و اعتراف نامه های فرقه های بزرگ مسیحی به کار می رود، ولی بعنوان وصف خاص، به پیروان کلیسای ارتدوکس شرقی اطلاق می گردد. کلیسای ارتدوکس؛ یعنی جامعه مسیحیت سنتی و مستقیم العقیده.

کاتولیک: کاتولیک به معنای کلی و عمومی است و در اصطلاح دینی مسیحی، در مورد کلیسای عام و جامع گفته می شود؛ نیز در مورد کلیسای منشعب نشده قدیم و کلیسای غربی منشعب شده. کلیسای منشعب شده شرقی به نام ارتدوکس و منشعب شده غربی به نام کاتولیک شناخته شده است.

آغاز و عوامل انشقاق: در آغاز که کلیسا به دو بخش ارتدوکس و کاتولیک تقسیم شد، به دو جهت بود: **عامل سیاسی- اجتماعی:** به نوشته جان تالس اثر مستقیم فتوحات مسلمانان یک نتیجه عمده به بار آورد؛ یعنی کلیسا را به دو قسمت تجزیه کرد. امپراتور ائو سوم، در قسطنطنیه، پس از آنکه لشکر مجاهدین عرب را در کنار یوسفور شکست فاحش داد، برای جلوگیری از خطر نفوذ تعالیم اسلام به بعضی اصطلاحات مذهبی مصمم شد و از این سبب پاپ گرگوریوس دوم را ناراضی ساخت. امپراتور ملاحظه نمود که اسلامیان و حتی بعضی از خود مسیحیان کلیسا را در معرف انتقاد قرار داده اند و احترام به حد پرستش را که نسبت به تصاویر و تمایلات مقدس در نمازخانه ها معمول می شود، نوعی از بت پرستی می شمارند. از این دو در سال ۷۲۶ میلادی فرمانی صادر کرد و نصب تصاویر را در کلیساها قذف فرمود. این اولین قدمی است که در طریقه صورت شکنی در عالم مسیحیت به ظهور پیوست، ولی این عمل واکنش شدیدی هم در مشرق و هم در مغرب، به وجود آورد. در مشرق امپراتور با نیروی نظامی فرمان خود را اجرا کرد، ولی در شهر رم به واسطه بعد مسافت از اجرا و حکم قیصر سرباز زدند و پاپ جلسه شورای مذهبی تشکیل داد و فتوای صادر کرد که هر کس برخلاف احترام صورت و تمثال، در کلیسا باشد، از جرگه اهل ایمان خارج است و در حقیقت پاپ امپراتور را تکفیر کرد. امپراتور در برابر این عمل برای تنبیه پاپ ناحیه سیسیل در جنوب ایتالیا را از حوزه حکومت پاپ خارج ساخت و تحت امر بطرک یونان قرار داد.

ادامه در شماره بعدی...

جایگاه زنان در کتابمقدس

مسیح اولین کسی بود که زن را تشویق کرد. در آن زمان که زنان به حساب نمی آمدند. وقتی مریم عطر بر پاهای عیسی ریخت و هنگامی که عیسی در بیت عنیا در خانه شمعون ابرص شد، زنی با شیشه ای عطر گرانبها نزد او آمده، چون بنشست بر سر وی ریخت. اما شاگردانش چون این را دیدند، غضب نموده، گفتند: چرا این اسراف شده است؟ زیرا ممکن بود این عطر به قیمت گران فروخته و به فقرا داده شود. عیسی این را درک کرده، بدیشان گفت: چرا بدین زن زحمت می دهید؟ زیرا کار نیکو به من کرده است. زیرا که فقرا را همیشه نزد خود دارید اما مرا همیشه ندارید. و این زن که این عطر را بر بدنم مالید، بچیت دفن من کرده است. هرا ینسبه شما می گویم هر جایکه در تمام عالم بدن بشارت موعظه کرده شود، کار این زن نیز بجهت یادگاری او مذکور خواهد شد. متی ۶: ۱۳

زنان همیشه همراه شاگردان بودند. و بعد از آن واقع شد که او در هر شهری و دهی گشته، موعظه می نمود و به ملکوت خدا بشارت میداد و آن دوازده با وی می بودند. و زنان چند که از ارواح بلید و مرضها شفا یافته بودند، یعنی مریم معروف به مَجَلَّالَه که از او هفت دیو بیرون رفته بودند، و یونا زوجه خوزا، ناظر هیرو دیس و سوسن و بسیاری از زنان دیگر که از اموال خود او را خدمت می کردند.

کودکان خیابانی

بررسیها نشان میدهد آزار در میان کودکان خیابانی و کار بسیار بیشتر است، و آمار رویه رشد این کودکان در ایران میتواند تأییدی بر افزایش کودک آزاری باشد. در سال ۷۵، ده درصد از کودکان بین ۱۰ تا ۱۸ سال مشغول کار بوده اند اما مطابق آمار سال ۸۵ این تعداد به ۱۲ و ۷۰ درصد رسیده که یک میلیون و ۶۶۰ هزار کودک را شامل میشود. با توجه به آمار جمعیت و تعداد دانش آموزان هم اکنون بیش از سه میلیون و ۶۰۰ هزار کودک خارج از چرخه تحصیل قرار دارند. تعداد کودکان کار و خیابانی دقیقاً مشخص نیست و نهادهای مسئول نه تنها آمار تشکلهای غیر دولتی را قبول ندارند که در مورد آمار یکدیگر نیز تردید نشان میدهند.

سازمان بهزیستی گزارش می دهد در سال جاری تعداد کودکان خیابانی شناسایی شده در تهران به نسبت سال پیش دو برابر شده. تاکنون حدود ۷ هزار کودک کار خیابانی شناسایی شده اند، آماري که سازمان بهزیستی ارائه داده ۲۰ هزار کودک کار خیابانی در تهران است که ما نمی دانیم این آمار را بر چه اساسی به دست آورده اند.

www.Tabdilmagazine.blogfa.com

اطلاعات جالبی درباره نام محله های تهران

با استفاده از منابعی درباره نام برخی محله های تهران اطلاعاتی گرد آورده ایم که در ادامه میخوانید.

دزاشیب (در نزدیکی تجریش)

روایت شده است که قلعه بزرگی در این منطقه به نام "آشِب" وجود داشته است و در گذشته نیز به این منطقه دز آشوب و دزج سفلی و در لهجه محلی ددرشو میگفتند.

فتوا: مسلمانی که بر اثر ایدز بمیرد شهید است!



شهرزادنبوز: شیخ احمد ابویوسف، رئیس مرکز ارشاد مذهبی در وزارت دیانت مصر، در پاسخ به استفتای مردی که پرسیده بود، نظر اسلام در مورد مرد مسلمانی که بر اثر ایدز بمیرد چیست؟ پاسخ داد: هر کسی که به علت بیماری ایدز بمیرد، از نظر اسلام شهید به حساب می آید. به نوشته العربیه. نت، وی فتوایش را با استفاده از سخن محمد، پیغمبر اسلام، صادر کرده است که گفته بود: هر کسی که بر اثر یک بیماری داخلی بمیرد، شهید است. شیخ احمد ابویوسف در این زمینه تأکید کرد که ۹۰ درصد بیماران (مسلمان) مبتلا به ایدز، پیش از مرگ و حضور در برابر الله، توبه می کنند. از سوی دیگر دکتر احمد رجایی، استادیار بهداشت در دانشگاه الازهر مصر، گفت که رقم مبتلایان به بیماری ایدز در کشورهای عربی پایین ترین رقم در سطح جهان است. اما، در زمینه گسترش ایدز، کشورهای عربی در رده دوم قرار دارند.



ارباب و تهدید در جشنهای کریسمس

به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان، با فرا رسیدن سالروز تولد خداوندان عیسی مسیح و آغاز جشنهای کریسمس و سال نو میلادی، باز هم شاهد بودیم که مقامات امنیتی و انتظامی همانند سالهای گذشته موج تهدیدات و فشارها خود را بر علیه نوکیشان و ایمانداران مسیحی در چندی از شهرهای ایران ادامه دادند.

در طی روزهای گذشته مقامات امنیتی و اطلاعاتی در چندی از شهرهای کشور از جمله تبریز، شیراز و سنجند، جمعی از ایمانداران و نوکیشان مسیحی را به ادارات اطلاعات استان فراخوانده و با تهدید و گرفتن تعهد کتبی از آنان خواسته شد تا از برگزاری هرگونه مراسمی با عنوان جشنهای کریسمس و اجتماعات و گردهم آیینهای مسیحی خود داری کنند. به گزارش FCNN، در شهر تبریز با احضار چند تن از اعضای کلیسای خانگی "نجات" به اداره اطلاعات استان ضمن متهم ساختن آنان به ترویج مسیحیت و همکاری با بیگانگان خارج از کشور، آنان را مورد تهدید و ضرب و شتم قرار داده و پس از گرفتن تعهد مبنی بر عدم برگزاری اجتماعات مسیحی در خانه ها و ارتباط با رهبران کلیسا، سپس آنان را آزاد کردند.

مأمورین وزارت اطلاعات در شهر شیراز نیز تعدادی از اعضای یک کلیسای خانگی را فراخوانده و با اعمال فشار و بازجوییهای طولانی و اخذ تعهد کتبی از آنان به منظور کنترل بیشتر ایمانداران مسیحی خواستار عدم ارتباط آنان با رهبران کلیسا و سایر اعضای کلیسا شد. همچنین طبق گزارش دریافتی از سنجند نیز با احضار شبان و چندی از نوکیشان مسیحی از سوی اداره اطلاعات استان از برپایی هرگونه اجتماعات و مراسم جشن کریسمس منع و به آنان هشدار داده شد. لازم به یاد آوری است، در بخشی از ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده، هر کس حق دارد نسبت به "اجرای مراسم دینی و تعلیمات مذهبی چه بصورت خصوصی و یا بطور عمومی" از این امتیاز برخوردار باشد.

منع فعالیت شاهدان یهوه در تاجیکستان

فروش آزادانه نمادهای شیطان پرستی در تهران

در حالیکه بسیاری از کارشناسان بر افزایش خرافه گرایی و سوءاستفاده از احساسات مردمی طی چند سال اخیر تأکید کرده و نسبت به تبعات خطرناک آن هشدار داده اند، امنیتی، گمرک و وزارت فرهنگ این کشور خبرنگار البرز ضمن مراجعه به برخی فروشگاههای شمال و غرب تهران با عرضه فراوان و آزادانه نمادهای این گروههای انحرافی و التقاطی روبرو شد. تصویر مقابل از یکی از فروشگاههای مرکز خرید بوستان در میدان پونک تهران تهیه شده که در آن صلیبهای شکسته بعنوان یکی از نمادهای گروههای افراطی نژاد پرست و منحرف جنسی به چشم میخورد. در این حال سرتیپ ذوالفقاری که پیشتر جانشین فرمانده نیروی انتظامی بود میگوید: بیش از ۵۰ نفره و گروه تخریبی (شیطان پرستی) به ایران وارد شده که نیمی از آنها فعال بوده و اقدام به ترجمه، چاپ و توزیع قریب به ۲۰۰ عنوان کتاب در این زمینه کرده اند.



مسئولان این سازمان قصد داشته اند این مقدار ادبیات مذهبی را در میان مردم توزیع کنند. ولی مسئولان بخش ادیان وزارت فرهنگ در یک نشست مطبوعاتی اظهار داشتند که تعداد پیروان این سازمان اندک است و واردات این مقدار ادبیات غیر قابل توجیه است. به گفته منابع کمیته دولتی امنیت ملی تاجیکستان، به سازمان "شاهدان یهوه" در گذشته مکرراً در باره نقض قانون فعالیت سازمانهای مذهبی و اتحادیه های اجتماعی هشدار داده شده بود. گذشته از این، وزارت فرهنگ تاجیکستان پیشنهاد کرد که فعالیت این سازمان کاملاً منع کرده شود. به این دلیل، دادگاه نظامی شهر دوشنبه تصمیم گرفته است فعالیت "شاهدان یهوه" در قلمرو تاجیکستان را ممنوع سازد. ضمناً، نمایندگی سازمان بین المللی "شاهدان یهوه" در تاجیکستان در سال ۱۹۹۷ ثبت نام شد. تعداد پیروان این فرقه کاذب در تاجیکستان رسماً اعلام نشده است. مسئولان "شاهدان یهوه" در تاجیکستان همواره از صحبت با خبرنگاران خودداری میکنند.

آن که در آموختن جهد نمی کند هرگز نباید در انجمن دانایان لب به گفتار بگشاید. بزرگمهر

برگزاری مراسم خاصی، تبلیغ پوشیدن لباس خاص بعنوان لباس مقدس منقوش به نمادهای شیطان پرستی، از گردنبدن (صلیب شکسته یا صلیب برعکس) انگشتر با نقوش استخوانی و جمعهم انسان استفاده نموده و در برگزاری این مراسم ضمن شرب خمر اقدام به رقص و پایکوبی می نمایند.



عقاید شیطان پرستان چیست؟

آنان بر این باورند که باید برخلاف ادیان عمل کرد و با انجام اعمال دلخواه و کارهای خلاف، دنیا را به هرج و مرج و آشوب کشاند. آن چنانکه جانشین سابق فرمانده نیروی انتظامی هم تأیید کرده است افراد عضو این گروه در برخی رشته های ورزشی مهارت خاصی دارند و به منظور جذب نوجوانان و جوانان هنگام ورزش از موزیکهای خاص شیطان پرستی استفاده میکنند. گزارش البرز میافزاید: این گروهها دارای کتابهایی به زبان لاتین بوده و با تجمع در پارکها و تفریگاهها در خصوص رخدادهای جدید در سطح کشور در رابطه با شیطان بحث و گفتگو می کنند.

تخریب خانه ها و کلیسا در تاجیکستان

به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان به نقل از میشران مسیحی اعلام کردند که دولت تاجیکستان که پیش از این از کشورهای عضو اتحادیه جماهیر شوروی بوده است، شروع به نابودی و طرح ممنوعیت علیه کلیسای پروتستان نموده و دلیل آن رشد تعداد جلسات پرستشی و کلیسای "برزومینی" است که در تاجیکستان افزوده شده است.

هیئت اعزامی امداد مسیحی که میشران مسیحی محلی را در این کشور حمایت میکند، همچنین گفت که مطلع شده است که دادگاه عالی اقتصادی از اعلام علنی تصمیم خود مبنی بر واگذاری یا عدم واگذاری کلیسای تعطیل شده در دوشنبه به مسیحیان خودداری کرده است. به گفته خبرگزاری، مسئولان شهری خواهان مصادره ساختمان کلیسا بوده اند، هر چند که این کلیسا ۱۰ سال پیش بطور رسمی خریداری شده بوده است. اعضای کلیسا در طول ۹ سال گذشته بر روی این ساختمان کار کرده اند و مراحل بازسازی همچنان ادامه دارد. اما مقامات میخواهند ساختمان را پس بگیرند. اما قاضی پرونده که مانع حضور ناظران بیت المللی در جلسه شده بود از اعلام تصمیم نهایی خودداری نمود. بعلاوه سال گذشته اعلام کرده بود که یک کلیسای پروتستان مصادره و کاملاً ویران گردیده است و تا این تاریخ هیچگونه غرامتی به کلیسا پرداخت نشده است. دو کلیسای دیگر نیز قذف شده اند. دولت تاجیکستان تاکنون هرگونه ممنوعیت علیه کلیسا را تکذیب نموده است. این در حالی است که به گزارش تاکنون صدها خانه و محل اجتماع ساکنان تخریب شده و بسیاری بیخانمان شده اند.

برخی از این گروهها را بهتر بشناسیم فرمانده کنونی دانشکده تاجا میگوید: یکی از فرقه های انحرافی تحت عنوان TSM توسط فردی بنام "الف" که خارج از کشور زندگی میکند هدایت میشود. محبوبیت زیادی در بین جوانان دارد و صدها جوان در کلاسهای او شرکت کرده و در مقابل او اشک ریخته و به گناهان خود اعتراف میکنند. ذوالفقاری اضافه کرد: فرد دیگری بنام "الف-ر" که زادگاهش یکی از شهرستانهای کشور است و دارای تعدادی مرید میباشد که برای مراد خود حاضرند هر کاری بکنند. وی افزود: دختران زیادی به خاطر او ازدواج نمیکند و ادعا میکنند او همسر عرفانی آنهاست و او نیز ادعا می کند مرده را زنده می کند و عمدتاً در تاریکی زندگی می کند. ذوالفقاری تصریح کرد: فرد دیگری بنام "ع-ی" ادعا می کند عرش به واسطه حضور او برپاست، زلزله ها را پیشگویی می کند، انرژی درمانی می کند، و روزانه تعداد زیادی بیمار به وی مراجعه می کند. جانشین سابق فرمانده نیروی انتظامی در ادامه گفت: پلیس در راستای وظایف قانونی بر این جریانات اشراف اطلاعاتی دارد و برخی نیز که مرتکب جرم شده بودند شناسایی و دستگیر و به مراجع قضایی معرفی شده اند. ذوالفقاری در ادامه به جعل ۳۰۰۰ نوع از این فرقه ها طی ۳۰ سال اخیر اشاره کرد و گفت: اصول مشترک این گروهها انحراف از ادیان حنیف و التقاط در اعتقادات و وعده های کاذب و سوء استفاده از گرایش جوانان به مبدا هستی و سوء استفاده جنسی می باشد.

هشدار

به گزارش البرز اخیراً گروههایی تحت عنوان شیطان پرستان که دارای انحرافات فکری و جنسی هستند با هدایت سایتهای بیگانگان در کشور در حال شکل گیری اند. این گروهها ضمن

سال چهارم شماره ۳۹ ژانویه ۲۰۰۹

داستان

ماهامه تبدیل

P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

ستون پنده ۵۵۵

عاشقی از زبان مشاغل مختلف

دانشجو: دیگه دارم کم کم ریپ میزنم مثل ماشینهای تصادفی شدم، اگه همینطوری پیش بره باید برم زیر دست اراقچی، قلبم به روغن سوزی افتاده پدر عشق بسوزه!

معلم ریاضی: نمیدونم چرا جواب تمام مسائل بی نهایت میشه یا بی جواب میونه، هرچی تفریق میکنم جمع میشه، هرچی جمع میکنم کم میشه از ضرب کم مرس آه!

مهندس کامپیوتر: ای آنکه مرا دی سی کرده ای و در وجودم ویروس بلاستر ۲۰۰۳ فرستاده ای کی دوباره منوری پیر خواهی کرد؟ به فریاد گرافیکم برس!

دکتر: چند سالی است که به زخم میزنم مرحم میگذارم و از جنگال مرگ رهایشان میکنم! کو طبیبی که به زخمم مرحم گذارد و دلم را آزاد گرداند!

عینک فروش: اگر روزی بگویم عاشقم بر من نخندید که شغلم عاشقی دارم،

فراوان بسازم بهر هر چشمی من عینک گرفتارم کند چشمی چه آسان!

آموزه بخشش

ما انتظار داریم دیگران همانطور که ما می خواهیم رفتار کنند. این خیلی نامعقول است اما بدون هیچ مقاومتی اتفاق می افتد، مشروط بر اینکه ما آن توقع را رها کنیم و اجازه بدهیم مردم طوری رفتار کنند که یاد گرفته اند و اتفاقات طوری اتفاق بیفتد که باید بیفتد. ما باید از دنیا برای پیشامدهایی که برایمان اتفاق می افتد قدر دان و شکر گزار باشیم. ما کینه توزی میکنیم. قبول نمیکشیم که هر اتفاقی که برایمان می افتد در نتیجه همان چیزی است که خودمان بذرش را کاشته ایم یعنی همان برخوردی که در مقابل رفتار دیگران یا واکنشی که در برابر محرک های اطراف نشان میدهم. هیچکس مسئول تجربه های ناخوشایند ما نیست. ترس از اینکه دیگران ما را ضعیف، احمق و ترسو قلمداد کنند. ما فکر میکنیم بخشش بهانه ای برای فرار، سستی و تبلی یا یزدلی است و فقط آنها که قدرت جنگیدن ندارند میبخشند. اما این ترسیدن و بخشیدن فاصله خیلی زیاد است. بله، افرادی هستند که ترسهایشان را به شکل بخشش نشان میدهند اما تصمیم شما برای بخشیدن شما را به یک فرد ترسو و بزدل تبدیل نمیکند. علاوه بر این، چرا نباید قبول کنیم که نمیتوانیم بجنگیم؟ چرا همه ما عادت داریم از کسانی که میجنگند اسطوره و قهرمان میسازیم. زمانی میتوانیم بگویم که عمل خوبی برای این جهان انجام داده ایم که به جای جنگیدن آن سعی کنیم آنرا زندگی کنیم.

سرانجام کاکه به سخن آمد و با هر جمله ای که ادا میکرد، خشم او افروخته و بیشتر میگردد. مخصوصاً سکوت سعیدخان بر شدت خشم وی میافزود. او فریاد زد: یک سگ و یک انسان نمیتوانند با هم زندگی کنند! گم شو بیرون!

سعیدخان سراسیمه و هراسان از زیر کرسی بیرون پرید و با شتاب لباسهایش را پوشید و در آن شب سرد و ظلمانی از خانه بیرون رفت. او به منزل یک دوست کاتولیک رفت ولی او وی را راه نداد. ناامید بود. هر دری را میکوبید به رویش باز نمیشد. عاقبت پیروزی که غالباً برای دعانویسی به نزدش میآمد او را به خانه خود برده و رختخواب گرمی به او داد تا بخوابد. اما سعیدخان برای حفظ آبروی پیروز که مبادا به سبب پناه دادن یک کافر در منزل خود، مورد سرزنش مردم قرار بگیرد، قبل از سپیده صبح از خانه خارج شد و به مدرسه ای که تدریس میکرد رفت تا منتظر شاگردان و آنچه که از جانب خدا برای او مقدر شده بود، باشد.

از طرف دیگر کاکه صبح زود از خواب بیدار شد، تفنگ خود را برداشته و در مغازه مقابل کلیسای کاتولیک که گمان میکرد سعیدخان بدانجا پناهنده شده بود، در کمین نشست. وقتی از او پرسیده شد که قضیه چیست؟ گفت: برادرم کافر شده و منتظم که وی را به قتل برسانم. وقتی که مردم دیدند کاکه تفنگ در دست برادر خود را تعقیب میکند و بر ارتدادش شهادت میدهد، آنها نیز در صدد کشتن سعیدخان برآمدند. هر چند کاکه خود کمرش را برای از بین بردن سعیدخان بسته بود، ولی چون دید همه مردم بر علیه او قیام کرده و قصد قتل او را دارند، بر سر غیرت آمد و به حمایت از برادر خود برخاست. پس با عجله برای چاره جوئی به نزد خواهر ناتنی خود که زنی فهمیده و مهربانی بود رفت. از آنجا هر دو به مدرسه شتافتند و سعیدخان را با همان اعتقاد مسیحی اش به خانه برگرداندند. اگر چه در منزل کاکه در امان بود، ولی شیها از منزل خارج نمیشد مبادا مورد حمله مردم جاهل و متعصب قرار گیرد. فیض الله و حبیب و دیگر دوستان، او را از اوضاع بیرون مطلع میساختند و تأکید میکردند که از داهی که برای او گسترده شده، بر حذر باشند.

در سال ۱۲۶۰ شمسی، چون به طور غیرمنتظره ای معلم زبان فارسی آقای جیمز هاکس مقیم همدان در گذشته بود، از سعیدخان دعوت کرد که به همدان برود و معلم خصوصی وی گردد. سعیدخان در این مورد با کاکه مشورت کرد و گفت: بازگشت به عقیده قبلی ام غیرممکن است و ماندن من در این شهر به قیمت جانم تمام میشود، بنابراین تنها دارم به من رخصت بده که به همدان بروم. کاکه پس از مذاکره و مشورت با یکی از خویشانودان، با رفتن وی موافقت کرد. احتیاط کامل به عمل آمد. ترتیبی داده شد که کاکه برادر خود را تا پیوستن به کاروانی که در خارج از شهر عازم همدان بود بدرقه نماید. نزدیکهای غروب هر دوی آنها از خانه خارج شدند و کاکه در حالیکه مقداری اثاثیه سعیدخان را که عبارت بود از یک قالیچه کهنه و یک چمدان و چند جلد کتاب، بر دوش داشت، قرار گذاشتند بر سر یک دو راهی همدیگر را ملاقات کنند. سعیدخان از اینکه کاکه نه فقط با رفتن وی مخالفت نمیکند، بلکه وسیله فرار او را هم مهیا ساخته است، متحیر بود. غروب آفتاب به کاروان رسیدند. با کمال احترام دست برادر خود را بوسید و قطرات اشک از چشمان او میچکید. بغض گلی کاکه را گرفته بود و بدون آنکه کلمه ای حرف بزند خیره خیره سعیدخان را نگاه میکرد. کاروان نیمه های شب به حرکت درآمد. جوان فراری گاهی سوار و گاهی پیاده طی طریق مینمود. هرچه دورتر میشدند، سعیدخان احساس امنیت بیشتری میکرد. تا اینکه هنوز یک شبانه روز از مسافرت نگذشته بود که ناگهان رویای دل انگیز سعیدخان به یک کابوس وحشتناک تبدیل گردید. او کاکه، حبیب و الله کرم را که یکی از بستگان او بود، در نزد خود مشاهده نمود. کاکه وی را به کناری خوانده، گفت: تمام اهالی شهر به شورش درآمده اند. آنها به نزد حاکم رفته و خواسته اند تو را برگردانند. مرا هم تهدید میکنند و میگویند که خانه ام را بر سرم خراب خواهند کرد.

۲۶
ادامه در شماره بعد....



او شخص هشتاد ساله، بپریا، فروتن و در کلام خدا متبحر بود. سعیدخان که میدید روزنه امیدی برایش باز شده است، به تدریج بطرف اسقف کشانده شد اما جرأت نمیکرد آشکارا به ملاقات او برود. گاهی از در عقب کلیسا، گاهی از روی دیوار میپرد و زمانی هم به قول معروف دل به دریا میزد و از درب ورودی به ملاقات اسقف میرفت. هر بار که فرصت ملاقات پیش میآمد ساعتها در حضور اسقف می نشست و کتابمقدس را به زبان سریانی میخواند. اسقف تعلیمات سودمندی به این جوان جدیدالایمان داد. بهر حال، رفاقتی که بدینطریق برقرار شده بود، میبایست بزودی به پایان برسد. سعیدخان در یکی از نالقاتهای معمول خود دریافت که اسقف بار و بنه خود را جمع آوری کرده و قصد دارد آنجا را ترک نماید.

با رفتن اسقف، سعیدخان خود را بیش از پیش تنها احساس میکرد. اذیت و آزار غیرقابل تحمل بود. طعنه و سرزنشهای کاکه جانش را به لب رسانده بود. در سنج برای او بجز شکنجه و ناراحتی چیزی دیگر وجود نداشت. چه میتوانست بکند؟ تنها راه خلاصی او از دست بدخواهانش، فرار بود که آن هم قبلاً امتحان کرده و با شکست مواجه شده بود. سعیدخان در آغاز یک نامه برای برادرش چنین نوشت:

جلال برنام خدای دانا و بینا و شنوا، که دستداران و جانبازان راه خود را مفتخر و سرافراز میگردانند. برای من درنگ بیشتر در این شهر مقدور نیست. با اینکه عقیده مرا میدانید، اگر چه مرا هم نکشید جزو شهیدان محسوب خواهم شد، زیرا یقین دارم که مقبول درگاه خداوندیم. از جان من بگذر و مادامیکه زنده باشم بندگی ات خواهم کرد. هنگامیکه خشمگین هستید از من بازخواست نکنید. اینکه مدتی است که مسیحی شده ام شما میدانید مردم درباره ام چه میاندیشند. ماندن من در این شهر بسیار خطرناک است...

سعیدخان نامه را به دست برادرش داد. وقتی که کاکه به این جمله رسید که نوشته بود؛ هنگامیکه خشمگین هستید از من بازخواست نکنید، نامه را روی چراغ نفتی گرفت و آنرا سوزاند. بخت با سعیدخان یاری کرد، چون مدرک کافر شدن او از بین رفت! شب هر دو زیر کرسی گرم دراز کشیدند ولی هیچکدام نتوانستند بخوابند، یکی از شدت خشم و دیگری از ترس جان.



Tel: 818. 522. 1525
Tabdil@IRANforCHRIST.com

**خداوند، من اعتراف میکنم گناهکار هستم. ایمان دارم
که عیسی مسیح بخاطر گناهان من بر روی صلیب، جان
خود را فدا نمود و به وسیله رستخیز از مردگان و غلبه
بر مرگ، مرا در حضور تو عادل ساخت. من اکنون او
را بعنوان نجات دهنده در قلب خود میپذیرم. آمین**



**ازدواج
صحیح**

دارد؛ اما متأسفانه همیشه نمیتوان در یکی دو جلسه کلیه مواردی را که زوجین باید نسبت به آن آگاهی پیدا کنند را مطرح کرد و در یکی دو جلسه همه مطالب مهم را تحت پوشش قرارداد. جلسات مشاوره و کلاسهای آموزشی آمادگی ازدواج را میتوان به عنوان نوعی رویکرد مکمل و با متناوب در نظر گرفت که خانمها و آقایان نامزد کرده را با مهارتها، عادات، و نگرشهای یک زندگی موفق آشنا کرده و با آموزش تکنیکهای غنی، راه را برای رسیدن به موفقیت هموار میسازد. زوجین همچنین با بهره گیری از این روشها میتوانند انتظار یک زندگی موفق و طولانی مدت را داشته باشند. باید توجه داشت که این نوع جلسات در ردیف کلاسهای آموزشی قرار نمیگیرند و نه درمانی. برخی از این جلسات آموزشی وابسته به ارگانهایی مسیحی هستند. در این جلسات مباحث عامی که ممکن است هر زن و مرد تازه ازدواج کرده ای با آن برخورد کنند، مطرح میگردد. باید به این افراد گوشزد کرد که چنین نیست هر نوع آموزشهای مقدماتی که زوجین برای خود انتخاب می کنند، "چه مذهبی و چه انواع غیر مذهبی" باید شامل فعالیتهایی باشد که به آنها توانایی ها و مهارت های بالایی را می دهد تا بتوانند با چالش های اجتناب ناپذیر زندگی مواجه شده و آنها را در یک رابطه سرسپرده قرار داده و قابلیت زندگی مشترک را به آنها اعطا کند.

ادامه دارد...

محافظت کند، و مرا نان دهد تا بخورم و رخت تا بپوشم تا به خانه پدر خود به سلامتی برگردم، هر آینه بپوه، خدای من نخواهد بود و این سنگی که چون ستون برپا کردم، بیت الله شود. و آنچه بمن بدی، دهیک آن را به تو خواهم داد. ویلیام در سال ۱۸۰۴ بعنوان شاگرد برای یکی دیگر از صابون سازان نیویورک مشغول کار شد. او که اکنون از این حرفه اندک سر رشته ای داشت، خیلی زود متوجه شد کارخانه ای که در آن مشغول به کار است به درستی اداره نمی شود، اما با فروتنی و جدیت به کار خود ادامه داد. اما حق با او بود، و آن کارخانه در سال ۱۸۰۶ تعطیل گردید. ویلیام در این مدت در میان تجار صابون شهر نیویورک شهرتی به دست آورده بود و به مدد پیشکار و عزم راسخی که داشت، بزودی موفق شد "شرکت صابون سازی ویلیام کولگیت" را تأسیس کند. کار ویلیام از همان آغاز با موفقیتی چشمگیر مواجه شد و رونق فراوان یافت. ویلیام بزودی با تجار صابون در شهرهای مختلف آمریکا ارتباط برقرار کرد و بدین ترتیب توانست بر تولیدات خود بیفزاید و فروش خود را به چندین برابر برساند. او در کمتر از شش سال موفق شد قسمت عمده ای از بازار صابون در آمریکا را تحت پوشش خود قرار دهد و رفته رفته به تولید لوازم بهداشتی و آرایشی نیز روی آورد. بدین ترتیب ثروت، شهرت و موفقیت به طریقی خارق العاده به ویلیام کولگیت رو نمود. باین حال ویلیام گرچه سخت سرگرم اداره امور شرکت خود بود، اما در تمام این مدت هیچگاه عهدی را که با خدا بسته بود از یاد نبرد. او موفقیت خود را در گرو وفادار ماندن به اصول کتاب مقدس می دانست و هر سال ده درصد از عایدات خود را وقف کار خدا می کرد. خدا نیز پیوسته او را برکت می داد، نه تنها از لحاظ مالی، بلکه در زندگی خانوادگی نیز، او را از هر جهت برکت داد. ویلیام در سال ۱۸۱۱ با مری گیلبرت ازدواج کرد و خداوند به آنها ۱۱ فرزند بخشید. خانواده کولگیت برای نیک نکر فرزندان شان اسامی کتاب مقدسی انتخاب کردند. بدین ترتیب بر حاکمیت خدا بر تمام شئون زندگی خود صدق گذاردند. خانواده کولگیت هر روزه با هم کتاب مقدس میخواندند و تا حد امکان در جلسات کلیسای شرکت می کردند. ویلیام به رغم مشغولیت های شغلی، فعالانه در امور مختلف کلیسای روحانی نیز شرکت داشت و سخاوتمندانه از فعالیت های مبشران خارجی و مؤسسات آموزش الهیات پشتیبانی می کرد. یکی از این مؤسسات، کالج مدیسون واقع در نیویورک بود که امروزه بهاس قلدردانی از حمایت های مالی خانواده کولگیت، به "دانشگاه کولگیت" معروف است. یکی دیگر از خدمات ویلیام، تأسیس چندین انجمن کتب مقدسه بود که از جمله آنها میتوان به نقش تعیین کننده ای که وی در تأسیس انجمن کتب مقدسه آمریکا در سال ۱۸۱۶ ایفا نمود، اشاره کرد. کارخانه تولید لوازم بهداشتی کولگیت که اکنون "کولگیت-نخل زیتون" نامیده می شود، هر سال پر رونق تر میشد و گسترش می یافت. خدا کار و حرفه ویلیام را چنان برکت داد که او پس از مدتی تصمیم گرفت به جای دهیک عایدات خود، بیست درصد از درآمد سالانه خود را برای کار خدا کنار بگذارد. ویلیام مدت کوتاهی بعد، این مبلغ را به سی درصد افزایش داد، و خدا نیز هم چنان او و خانواده اش را برکت می داد. ویلیام کولگیت در ۲۵ مارس سال ۱۸۵۷ در سن هفتاد و چهار سالگی نزد پدر آسمانی خود شتافت.



با شنیدن اسم کولگیت بی درنگ به یاد خمیر دندان، و شاید هم خدای ناکرده در دندنان، می افتیم. اما بد نیست بدانیم در پس موفقیت این کالای جهانی که امروزه تقریباً در همه جای دنیا، از سوپرمارکت های شهر نیویورک گرفته تا بقالی سر کوچه ما، شخصیتی مسیحی وجود دارد که اساس موفقیت زندگی و حرفه خود را بر اصول کتاب مقدس بنیاد نهاده. ویلیام کولگیت در ۲۵ ژانویه ۱۷۸۳ در دهکده ای در استان کیت واقع در کشور انگلستان چشم به جهان گشود. پدرش کشاورز باهوشی بود که از تحولات آزادی خواهانه ای که در آن ایام در فرانسه و آمریکا جریان داشت به شدت جانبداری می کرد. به همین جهت نیز بزودی از سوی مقامات حکومتی انگلیس مورد ایداء و آزار قرار گرفت و ناگزیر در ماه مارس ۱۷۹۸ به همراه خانواده اش کشور خود را به مقصد آمریکا ترک گفت. خانواده کولگیت در آمریکا در مزرعه ای در هارتفورد واقع در ایالت مریلند ساکن شدند. در آنجا پدر ویلیام پس از چندی با شخصی در نیویورک شریک شد به نام رالف ماهر و این دو به یاری هم به تولید شمع و صابون پرداختند. بزودی ویلیام جوان نیز به آنها ملحق شد و خیلی زود راه و چاه این حرفه را فرا گرفت. اما این شراکت دیری نپایید و پدر ویلیام پس از مدت کوتاهی مجدداً به حرفه کشاورزی بازگشت. ولی ویلیام جوان که مصمم بود هر طور شده در این راه موفق شود، یک تنه این حرفه را ادامه داد تا اینکه یک سال بعد به دلیل کمبود سرمایه ورشکست شد. ویلیام در آن دوران دوستی مسیحی داشت که پیوسته او را تشویق می کرد قلب خود را به مسیح بسپارد. یکبار که ویلیام جوان از سر خوردگی خود در کار تولید صابون با اوصحت میکرد، دوستش این آیه از کتاب امثال را برایش نقل کرد: در همه راه های خود او را بشناس، و او طریقهای تو را راست خواهد گردانید. سپس به ویلیام چنین نصیحت کرد: قلب خود را به مسیح بسپار، هر آنچه را که متعلق به خداست به او بده، با صداقت صابون بساز... و آن وقت چرا بزرگترین صابون ساز نیویورک تو نباشی؟ ویلیام که از کوچکی در خانواده ای مسیحی پرورش یافته بود، تصمیم گرفت که ایمان به خدا را جدی تر بگیرد. یک بار که سرگرم مطالعه کتاب مقدس بود، چشمش به سخن یعقوب در پیدایش ۲۲-۲۰ افتاد و سخت شیفته این طرز نگرش شد. یعقوب نذر کرده گفت: اگر خدا با من باشد، مرا در این راه که میروم

**ماهمانه تبدیل با پخش در بسیاری از مناطق فارسی زبان در آمریکا
با درخواست اشتراک و آگهی کار و خدمات خود،
ما را در حفظ ماهمانه تبدیل یاری نمایید.**

The Change Monthly Paper is Distributed to most of the Persian speaking community, and your monthly payment will help The Change paper to be more effective for the Persian speaking world.

Yes! I want to subscribe THE CHANGE \$30 for one year

Name _____
Address _____
City _____ State _____
Zip _____
Phone () _____

Please clip and return with payment to:

Iran for Christ ministries

P. O. Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

Tabdil@iranforchrist.com

TEL: 818. 522. 1525

http://www.iranforchrist.com/Tabdil.htm



P O Box 371043 Reseda, CA 91337 USA

ای هموطن، چرا در خواب غفلت هستی؟ پیکره خود را نظر کن، بدنت در حال پوسیدن است! بلند شو و نگاه کن. وحشی های آمده از بیابان در حال جویدن تمام سبزه های هستند! و ریشه عقل و روح را می خورند! و در حال کاشتن دروغهای خویش هستند.

ای هموطن، چرا در خوابی؟ از اعتیاد بی خیالی بیرون بیا، تو چرا مدهوش شده ای؟ چرا در گیجی مات شده ای؟ عشق را بشناس، عشق حقیقی ترا به نور حقیقت راهنمایی خواهد کرد. ای هموطن، تو تنها نیستی، من همیشه در کنارت خواهم بود. و با هم وحشی ها را بیرون خواهیم کرد و ایران را با هم خرم خواهیم کرد. و تنها مسیح در نامش و در پاکی و مقدس بودنش ما را یاری می دهد. حمیدزاده

هیلاری از کودکی تا وزرات



هیلاری رودهام کلینتون متولد ۲۶ اکتبر ۱۹۴۷ در ایالت ایلینوی با نام پدری هیلاری دایان رودهام است. او که از سوی

باراک اوباما رئیس جمهوری منتخب آمریکا برای تصدی سمت وزارت امور خارجه انتخاب شده

است از ژانویه تا کنون به عنوان سناتور ایالت نیویورک به سنای این کشور راه یافت.

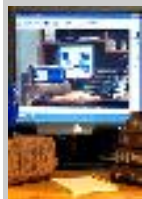


همسر بیل کلینتون از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۱ صاحب خانه کاخ سفید و بانوی نخست آمریکا بود. پیش از آن وی



سنت بانوی نخست ایالت آرکانزاس را نیز داشت و در آن ایالت وکیل مهم به شمار میرفت.

هیلاری تحصیل کرده دانشگاه ییل و عضو حزب دموکرات است.



خواننده گرامی؛ چنانچه مایل هستید، شما میتوانید نسخه چاپی کتاب مقدس فارسی را در وب سایت زیر مطالعه فرمائید.

www.SimaMasih.com



عقاید ضد مسیحیت در هالیوود

طبق گزارش به نقل از آینده روشن، در گزارشی از آی دی بی، فیلم خانه که با موضوع ضد مسیحیت ساخته شده، نمایش جهانی خود را آغاز کرده است. این فیلم را "رابی هنسن" کارگردانی کرده و فیلمنامه آن نیز بر اساس رمانی اثر "تد دکر" نوشته شده است. این کارگردان پیشتر فیلمهایی چون "سه"، "سرکشی" و "تشنه" را ساخته و سال ۲۰۰۶ فیلم "سه" را نیز با اقتباس از رمان دیگری اثر دکر ساخته بود. فیلم خانه در ادامه ساخت آثاری که



با محوریت یک شخصیت ضد مسیح در سینما ساخته شده است. داستان این فیلم درباره حضور اتفاقی چند شخصیت است که درخانه ای که یک انسان ضد مسیح در آن سکونت دارد گرفتار میشوند. تولید فیلمهای بحث انگیز با محوریت دین و مذهب و برجسته سازی شخصیتهای ضد انسانی و متفرو به بهانه عقده گشایی از عقاید مذهبی، بعنوان رویه ای نامطلوب نزد دست اندرکاران هالیوود موجب اعتراض گسترده مردمان کشورهای مختلف به دلیل اهانت به دین و مذهب شده است. تولید فیلمهای بی اهمیت با جعل تاریخ و شخصیت سازیهای کاذب بعنوان حربه ای نخ نما شده، هالیوود را بعنوان ابزاری برای گرداندن گان بنگاه تبلیغی، درآورده است.

ایمان به پسر خدا

هر که عیسا را مسیحا دیده است از خدای است و از او زائیده است آن کسی کو بر پدر مهری نهاد بر پسر هم مهر خود را بر گشاد زین سبب هر کس که فرزند خداست مهر ما چون مهر حق بر وی رواست

آن کسی کو مهر یزدان پرورید خُکم او را از دل و جانش شنید چون که حُکمش را گرانباری نبود هر که زاده از خدا یاری نمود آن که زاید از خدا، پیروز هست چون که بر دنیا پدید آرد شکست آنچه دنیا را ز هم پاشید و کاست

پرتو تابنده ایمان ماست هر که عیسا را شناسد پور اوی بر جهان پیروز شد بی گفت و گوی

این هم او باشد که می آید برون چون مسیح آمد به آب و هم به خون او نیامد، خود به تنهایی به آب

از گواه روح حق رو بر متاب هر سه خود بر این گواهی می دهند روح و آب و خون، گواهی می دهند

گر پذیرای گواه مَرُدمیم پس گواهی خدا را چون کنیم؟ چون گواه حق ز مردم برتر است این گواهی خدا بر پسر است

آن کسی، کو بر پسر ایمان گرفت خود گواه است و ز ایمان جان گرفت

آن کسی راه، کو به ایمان راه نیست از برایش این گواهی راست نیست

این گواهی خدا بر پور اوست چون پسر، خود شعله ای از نور اوست که خدا بخشد حیات جاودان

از زو فرزند کاند در جهان هر کسی دارد پسر را در کنار زندگی در وی بماند برقرار

آن کسی، کو از پسر آمد جدای زندگی از وی همی آید جدای

آن کسی را که می آید جدای از پسر، خود شعله ای از نور اوست که خدا بخشد حیات جاودان

از زو فرزند کاند در جهان هر کسی دارد پسر را در کنار زندگی در وی بماند برقرار

آن کسی، کو از پسر آمد جدای زندگی از وی همی آید جدای

آن کسی را که می آید جدای از پسر، خود شعله ای از نور اوست که خدا بخشد حیات جاودان



در یک شب سرد زمستانی یک زوج سالمند وارد رستوران بزرگی شدند. آنها در میان زوجهای جوانی که در آنجا حضور داشتند بسیار جلب توجه میکردند. بسیاری از آنان، زوج سالخورده را تحسین میکردند و به راحتی میشد فکرشان را از نگاهشان خواند: نگاه کنید، این دو نفر عمری است که در کنار یکدیگر زندگی میکنند و چقدر در کنار هم خوشبختند. پیرمرد برای سفارش غذا به طرف صندوق رفت. سفارش غذا داد، پولش را پرداخت و غذا آماده شد. با سینی به طرف میز که همسرش پشت آن نشسته بود رفت و روبرویش نشست. یک ساندویچ همبرگر، یک بشقاب سیب زمینی خلال شده و یک نوشابه در سینی بود. پیرمرد همبرگر را از لای کاغذ در آورد و آن را با دقت به دو تکه مساوی تقسیم کرد. سپس سبب زمینها را به دقت شمرد و تقسیم کرد. پیرمرد کمی نوشابه خورد و همسرش نیز از همان لیوان کمی نوشید. همین که پیرمرد به ساندویچ خود گاز میزد، مشتریان دیگر با ناراحتی به آنها نگاه میکردند و این بار به این فکر میکردند که آن زوج پیر احتمالاً آفتدر فقیر هستند که نمیتوانند دو ساندویچ سفارش بدهند.

پیرمرد شروع به خوردن سبب زمینی هایش کرد. مرد جوانی از جای خود برخاست و به طرف میز زوج پیر آمد و به پیر مرد پیشنهاد کرد تا برایشان یک ساندویچ و نوشابه بگیرد. اما پیرمرد قبول نکرد و گفت: "همه چیز روبراه است، ما عادت داریم در همه چیز شریک باشیم. مردم کم کم متوجه شدند در تمام مدتی که پیرمرد غذایش را میخورد، پسرزن او را نگاه میکنند و لب به غذایش نمیزنند. بار دیگر همان جوان به طرف میز رفت و از آنها خواهرش کرد که اجازه بدهند یک ساندویچ دیگر برایشان سفارش بدهد و این دفعه پسرزن توضیح داد: ما عادت داریم در همه چیز با هم شریک باشیم. همین که پیرمرد غذایش را تمام کرد، مرد جوان طاقت نیاورد و باز به طرف میز آن دو آمد و گفت: میتوانم سوالی از شما بپرسم خانم؟ پسرزن جواب داد: بفرمایید. چرا شما چیزی نمیخورید؟ شما که گفتید در همه چیز با هم شریک هستید. منتظر چی هستید؟ پسرزن جواب داد: منتظر دندانها.

کلیسای سفیران مسیح

مکانی برای شناخت مسیح و تعالیم زندگی بخش او
ما از شما دعوت میکنیم تا هر یکشنبه ساعت ۳ بعد از ظهر در جلسات عبادتی این کلیسا حضور بهم رسانید

21300 Califa St, Woodland Hills, CA 91367

English Service: Sundays 1:00 pm

تلفن اطلاعات ۱۵۲۵ - ۵۲۲ (۸۱۸)

www.

SimaMasih.com



سبج برای جلوگیری از ترویج مسیحیت

به گزارش شبکه خبر مسیحیان فارسی زبان استاد حوزه‌های علمیه تبریز در گفتگو با سایت مذهبی رسا گفت: توسعه فعالیت مسیحیت لزوم هوشیاری حوزه‌های علمیه را می‌طلبد.



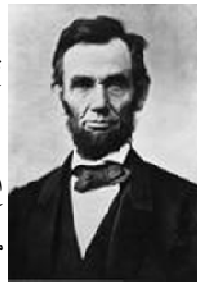
روحانی مسعود دوست‌آذر استاد حوزه و دانشگاه‌های تبریز و مدرس تاریخ اسلام در گفتگو با خبرنگار رسا در تبریز به تحلیل نتایج فعالیت شبکه‌های ترویج مسیحیت که به زبان فارسی از طریق ماهواره و اینترنت صورت می‌گیرد، پرداخت.

وی با بیان اینکه این شبکه‌ها در ماه‌های اخیر سرعت قابل توجهی به فعالیت خود داده‌اند، تصریح کرد: اکثریت فعالیت این شبکه‌ها بر اساس توهم و تخریب دیگر ادیان صورت می‌گیرد. وی تأکید کرد: این درحالی است که این شبکه‌ها با نام مسیح که یکی از پیامبران بزرگ و مورد احترام برای مسلمانان است، فعالیت می‌کنند و آزادانه مقدسات مسلمین را مورد خدشه قرار می‌دهند! البته ایشان در این گفتگو نام هیچ یک از شبکه‌های مسیحی فارسی زبان و یا شخصی را بیان نکرده است. "مدرس تاریخ اسلام با اشاره به آزادی تبلیغات مسیحیان در اسلام، اظهار داشت: بزرگان و خلفای اسلامی چون از قدرت فقهی و استدلالی اسلام مطمئن بودند و از سویی دیگر بر اساس اعتقادات خود آزادی عقیده را محترم می‌شمردند، نسبت به تبلیغات مسیحیان آزادی فراوانی قائل بودند." ایشان در این گفتگو با اشاره به آزادی و احترام به عقیده، نام هیچ یک از کشورهای اسلامی و عربی که مسیحیان می‌توانند مسیحیت را بطور آزادانه در آن تبلیغ، و یا با ساختن کلیسا به انجام مراسم دینی و عبادی در آن بپردازند را بیان نکرده‌اند. "استاد حوزه‌های علمیه تبریز تأکید کرد: در شرایط کنونی توسعه فعالیت شبکه‌های ترویج مسیحیت لزوم هوشیاری حوزه‌های علمیه را می‌طلبد. این روحانی ادامه داد: هم اکنون یک کارزار فرهنگی تمام عیار پیش آمده و شبکه‌های منحرف مسیحی با سفسطه و القای مسائل سبک و سطحی در صدد تخریب وجه اسلام هستند! ایشان در ادامه صحبت‌هایشان گفت: این شبکه‌ها مبانی منطقی برای بیان مسائل ندارند و به همین جهت فعالیت ایشان بیشتر به یک شیطنت شبیه است تا ترویج دین! وی سپس در انتها با تأکید از نیروهای حوزه‌های علمیه خواست تا توجه بیشتری به این نوع تبلیغات داشته و در زمینه نقد و بررسی شبهات از سوی این شبکه‌ها تحرک بیشتری از خود نشان دهند.

آیا میدانستید که میزان کشته شدگان و شهدای مسیحی در قرن ۲۰ بیشتر از جمع کل قرون پیشین است و این روند در قرن ۲۱ همچنان ادامه دارد. امروزه بیش از ۲۰۰ میلیون مسیحی آزادی اعتقادات کامل ندارند؟

اوباما با انجیل آبراهام لینکلن قسم یاد میکند

اوباما رئیس جمهور منتخب در مراسم معارفه هفته آینده خود با استفاده از انجیل منتسب به ابراهام لینکلن در تلاش است برای خود وجهه کسب کند.



طبق گزارشی به نقل از دزرت نیوز با بیان این مطلب نوشت، باراک اوباما تصمیم دارد با انجیلی که متعلق به آبراهام لینکلن است مراسم معارفه خود را به جای آورد.

بنابراین گزارش این انجیل در سال ۱۸۶۱ توسط رئیس دیوان عالی کشور آمریکا، ویلیام توماس کارول برای مراسم معارفه لینکلن تهیه شده است. این انجیل که هم اکنون در کتابخانه کنگره آمریکا نگهداری می‌شود از زمان معارفه آبراهام لینکلن به عنوان رئیس جمهور در سال ۱۸۶۱ مورد استفاده قرار نگرفته است. در داخل جلد انتهایی این انجیل یادداشتی با دست خط کارول قرار دارد که استفاده لینکلن از آن را در سال ۱۸۶۱ تأیید می‌کند همچنین قرار است این انجیل در نمایشگاهی به مناسبت دویستمین سالگرد تولد لینکلن در زمستان ۲۰۱۰ در ۵ شهر آمریکا به نمایش گذاشته شود.

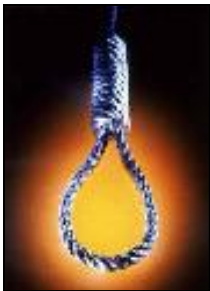
انتقاد شدید روحانیون مسیحی از مدانا



طبق گزارشی به نقل از خبرگزاری آسوشیندپرس، کاردینال‌های کلیسای کاتولیک به شدت نسبت به سفر مدانا به این کشور آمریکای جنوبی برای اجرای برنامه واکنش نشان دادند.

خورخه مدینا، کاردینال کلیسای کاتولیک در اظهاراتی، مدانا را یک زن بی‌شرم و حیا خواند و گفت: حرکات و ادا و اطوارهای جلف این خواننده موجب اشاعه افکار گناه آلود در بین مردم میشود. وی که در آستانه سفر این خواننده به شیلی سخن میگفت افزود: فضای شهر ما، سانتیاگو، به شدت مضطرب و پریشان شده است چرا که این زن می‌خواهد با رفتارهای شرم‌آور خود موجب برانگیختن شور و اشتیاق شهوانی و شیطنی شود. این کاردینال بازنشسته که در مراسم بزرگداشت دومین سالگرد مرگ آگوستین پینوشه، دیکتاتور شیلی، سخن میگفت افزود: افکار شهوانی، گناه آلود و رفتارهای شهوت انگیز موجب ناخشنودی خداوند شده و لکنه ننگی برای بشریت است. براساس این تبلیغ آلبوم خود به اجرای دو برنامه در شیلی گزارش مدانا برای میردازد و انتظار میرود ۱۲۰ هزار نفر طی دو شب در این برنامه‌ها شرکت کنند. این گزارش می‌افزاید: ظاهر آلبوم مدانا مذهب کاتولیک خود را به کلی فراموش کرده و جذب فرقه‌ای با عنوان کابالا شده است.

حکم اعدام برای مشهورترین مدعی امامت زمان



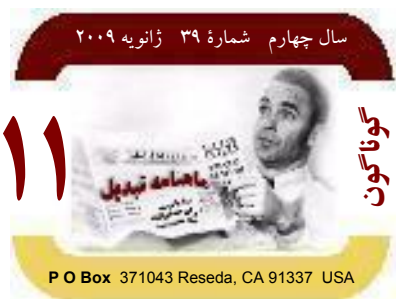
در ادامه طرح برخورد با مدعی امامت یا ارتباط با امام مهدی در قم که تعداد آنها در سه سال اخیر افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته است، حکم اعدام "علیرضا پیغان" یکی از مشهورترین این مدعیان صادر شد.

طبق گزارشی به نقل از شهاب‌نیوز در ادامه طرح تشدید برخورد با مدعیان امامت یا ارتباط با امام زمان (امام غایب شیعیان) در شهر مذهبی قم، حکم اعدام علیرضا پیغان صادر شد. پیغان ادعا میکرد امام دوازدهم شیعیان است و تعداد قابل ملاحظه‌ای از مردم ناآگاه و عامی‌را تحت تأثیر قرار داده بود. وی به سمت جعفران نماز می‌خواند و کتابی ۶۷۳ صفحه‌ای تحت عنوان "القامم" را سر هم کرده بود که تعدادی از مراجع تقلید پس از ملاحظه این کتاب، حکم ارتداد وی را صادر کرده و مفسد فی الارض دانستند. پس از دستگیری، پیغان ادعای خود را پس گرفت و به شهادت اعتراف کرد، با این حال چندی بعد در زندان مجدداً بر سر ادعای قبلی خود بازگشت. او مدعی بود که امام زمان از دنیا رفته و محل دفن ایشان جعفران است و به همین دلیل ما باید قبله خود را به سمت آن مسجد تغییر دهیم. حکم اعدام علیرضا در حالی صادر شده که مصطفی برزگر گنجی دادستان عمومی و انقلاب قم روز دوشنبه از بازداشت ۵ مدعی دروغین دیگر مهدویت در استان قم خبر داد. این ۵ نفر طی ماه‌های اخیر ادعا کرده بودند امام دوازدهم، سیزدهم یا چهاردهم هستند و با شهادت، مریدانی را نیز برای خود دست و پا کرده بودند. شهاب‌نیوز می‌افزاید: طرف چند سال اخیر تعداد کسانی که ادعای امامت یا ارتباط با امام زمان می‌کنند به نحو نگران کننده‌ای افزایش یافته و تعداد افراد ساده و عوامی که جذب خرافات مذهبی می‌شوند نیز بیشتر شده است. در بهمن ماه سال گذشته در سفر، زنی پیدا شد که خود را خدیجه هسمر محمد معرفی می‌کرد. وی پس از بازداشت اعتراف کرد که با استفاده از مواد بیهوشی، بانوانی که برای شفا گرفتن به او مراجعه می‌کردند را جهت سوء استفاده‌های جنسی در اختیار فردی به نام سالار قرار داده است. خاتمی به نام فریده گگ. نیز ادعا کرده بود با امام زمان ازدواج کرده و هسمر اوست که در سال ۸۵ با ازدواج شد و تاکنون در زندان به سر می‌برد. پیدایش فرقه‌ای به نام امام سیزدهم و اعلام وجود حدود ۱۰ نفر در شهر مذهبی قم که مدعی ارتباط با امام زمان بودند از جمله نشانه‌های این است. منابع مطلع تأکید می‌کنند که نه تنها تعداد مدعیان امامت یا ارتباط با امام زمان به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته که فعالیت رمالان، دعا نویسان دروغین و جادوگران نیز مخصوصاً در شهرهای مذهبی نظیر قم و مشهد آشکارا بیشتر شده است.

رواج ازدواج بین زنان همجنسگرا



آخرین آمار دفتر سرشماری ملی بریتانیا میگوید در نزدیک به دوسالی که ازدواج محضری بین همجنسگرایان قانونی شده، شمار زوجهای زن که رابطه خود را ثبت میکنند رو به افزایش بوده و میزان آن در میان زوجهای مرد نزدیک شده است. این آمار گویای بیش از ۱۶ هزار ازدواج بین همجنسگرایان میانگین سن این افراد در میان مردان ۵۳ و زنان ۴۶ سال بوده و باز این آمار نشان میدهد که ۹۰ درصد اینگونه ازدواجها در انگلستان، ۶ درصد در اسکاتلند، ۳ درصد در ویلز و ۱ درصد در ایرلند شمالی به ثبت رسیده است. نیمی از زنانی که بر اساس قانون با زن دیگری ازدواج کرده‌اند قبلاً شوهر داشته‌اند، کلیسای پروتستان آفریقا که بیشترین پیروان این فرقه از مسیحیت را داراست بشدت مخالف رسمیت بخشیدن به همجنسگرایی است. کلیساهای اسقفی در انگلستان و آمریکا هنوز با اجرای مراسم مذهبی ازدواج دو همجنس در کلیسا مخالف هستند ولی با پذیرش علنی روحانیون همجنسگرا در فرقه خود مسأله‌ای ندارند. انتصاب یک کشیش همجنسگرا به مقامی ارشد در کلیسای در آمریکا را که با اعتراض شدید اسقف کلیسای نیجریه روبرو شد، سراسقف کلیسای کاتریری انگلستان و رهبر جهانی این شاخه از کلیسای پروتستان را در وضعیتی دشوار قرار داد. هنوز برای جلوگیری از گسستگی احتمالی کلیسای اسقفی راه حلی پیشنهاد نشده که برای دو شعبه آمریکایی و آفریقایی آن قابل قبول باشد. طرفداران برسمیت شناختن همجنسگرایی از طرف کلیسا میگویند اگر کلیسای اسقفی همجنسگرایی را برای مردم گناه نمیداند حرام دانستن آن برای خادمان کلیسا قابل دفاع نیست. مخالفان هم با این استدلال که همجنسگرایی در تورات و انجیل تبیح شده کل ماجرا را غیر قابل دفاع میدانند.



صدور حکم اعدام برای مرتد عادلانه نیست

رجانویز مینوسد: فاضل مبینی در راستای تفسیر امانیتی و عرفی از دین همگام با تأکید بر غیرعادلانه بودن حکم ارتداد افزود: در قرآن نداریم که مرتد باید اعدام شود و در قرآن ارتداد جرم نیست این روحانی در ادامه حکم فقهی مرتد را غیر عادلانه مینامد و میافزاید: به نظر من عقل حکم میکند که صدور حکم اعدام برای مرتد عادلانه نیست. این سایت خبری در ادامه با موضع گیری از سخنان فاضل مبینی می نویسد: تسلیم محض در برابر حقوق بشر با تفسیر امانیتی کار را به جایی رسانده که روشنفکران سکولار حکام الهی در مورد ارتداد را منکر شده اند. شایان ذکر است، در سالهای اخیر، بسیاری از ایرانیان با خروج از دین اسلام، به ادیان دیگر، از جمله به مسیحیت گرویده اند، عملی که براساس فقه اسلامی مجازات آن مرگ است. اسلام شاید تنها دین مهمی در جهان باشد که تغییر دین از اسلام به مذهب یا عقیده دیگری را با مرگ مجازات میکند.

شیرین عبادی، نیکول کیدمن، رایس و هیلاری جزو زنان برتر سال ۲۰۰۸

در میان برندگان جوایز سالانه مجله گلامور اسامی مشهوری چون کاندولیزا رایس، وزیر خارجه آمریکا، هیلاری کلinton، همسر رئیس جمهور پیشین آمریکا و نیکول کیدمن، بازیگر سرشناس سینما به چشم میخورد.

در مراسمی که در مجموعه کارنگی هال واقع در نیویورک برگزار شد مجله گلامور جوایز سالانه خود را به ۱۰ شخصیت و نهاد که نقش عمده ای در حوزه های مربوط به موسیقی، ورزش، دنیای مد، علم، سیاست و تجارت ایفا کرده اند، اعطا کرد. در میان برندگان جوایز سالانه مجله گلامور اسامی مشهوری چون کاندولیزا رایس، وزیر خارجه آمریکا، هیلاری کلinton، همسر رئیس جمهور پیشین آمریکا و نیکول کیدمن، بازیگر سرشناس سینما به چشم میخورد. همچنین نهاد زنان نوبل، یک سازمان غیردولتی متشکل از شش برنده زن جایزه صلح نوبل که شیرین عبادی در آن عضویت دارد به خاطر اقدامات خود در راستای مبارزه با خشونت، تلاش برای برقراری صلح و حقوق بشر به ویژه برای زنان و کودکان موفق به دریافت جایزه سالانه مجله "گلامور" شد. از دیگر برندگان این جوایز میتوان به نوجوان علی، دختر ۱۰ ساله یمنی و وکیل وی که توانستند در یک پرونده جنجالی حکم طلاق این کودک را از شوهرش دریافت کنند اشاره کرد. کارا واکر، یک هنرپیشه و تیرا بنکس شخصیت تلویزیونی، خواننده و بازیگر آمریکایی نیز در میان دریافت کنندگان جوایز قرار دارند. گفتنی است دلیل انتخاب کاندولیزا رایس تلاشهای وی در زمینه ارتقای حقوق و بهداشت زنان در سراسر جهان ذکر شده است.



همچنین هیلاری کلinton به دلیل آنکه به عنوان اولین زن در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا شرکت کرد و همچنین تلاشهایی در زمینه بهبود مراقبتهای بهداشتی زنان و کودکان به عمل آورد در فهرست سالانه گلامور قرار گرفت. نیکول کیدمن، بازیگر برنده جایزه اسکار به عنوان سفیر خشن نیت سازمان یونسف فعالیت میکند و در این راستا تلاشهایی درباره مبارزه با خشونت علیه زنان انجام داده است. گلامور یک مجله آمریکایی مخصوص زنان است که در زمینه مطالب مرتبط با زنان خبررسانی می کند.



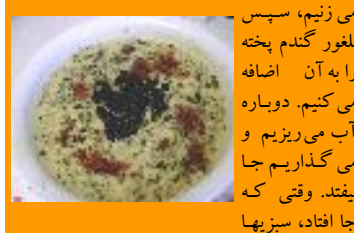
برنده جایزه اسکار به عنوان سفیر خشن نیت سازمان یونسف فعالیت میکند و در این راستا تلاشهایی درباره مبارزه با خشونت علیه زنان انجام داده است. گلامور یک مجله آمریکایی مخصوص زنان است که در زمینه مطالب مرتبط با زنان خبررسانی می کند.

حمایت مالی شما را از ماهنامه تبدیل پذیریم.



مواد لازم:
 * بلغور گندم: نصف پیمانه
 * ماست موسیر: یک پیمانه
 * اسفناج و سبزه سیر: به میزان لازم
 * پیاز جهت پیازداغ
 * نعنا داغ جهت تزئین

طرز تهیه:
 بلغور گندم را می ریزیم درون یک قابلمه و می گذاریم حسابی بپزد و له شود. بعد، در یک قابلمه دیگر، پیازداغ درست می کنیم. زردچوبه هم



می زنیم، سپس بلغور گندم پخته را به آن اضافه می کنیم. دوباره آب می ریزیم و می گذاریم جا بپزند. وقتی که جا افتاد، سبزیها را (که شامل اسفناج و سبزه سیر است) خرد می کنیم و اضافه می کنیم. بعد از حدود ۱۰ تا ۲۰ دقیقه، یک لیوان ماست موسیر را اضافه می کنیم و از وقتی که ماست را ریخته ایم، باید مرتب هم بزنیم که ماست نبرد و آش ته نگیرد.

۱. برای تزئین می توانیم از نعنا داغ و پیازداغ یا سیر داغ استفاده کنیم.
 ۲. می توانیم درون آش، سیر هم بریزیم تا حسابی بپزد. (بوی سیر پخته شده کمتر از سیر خام و سرخ شده است).



از شما دعوت میکنیم تا از وبسایتهای ما دیدن فرمائید:

www.SimaMasih.com
 www.TabdilMagazine.blogfa.com

می گوید. ما خوشخطی مان را از تمرین با خودکارهای مخزنی که بروی هر صفحه ای عبارت "JMI" را ثبت می کردیم، به دست آوردیم. (به نام مسیح). در قلمرو حکمرانی آلویز یک دختر شیرین به اسم خواهر جیمز (امی آدامز) نفس می کشد. کسی که می بیند در دنیای صومعه محدود شده است و دنیای داخل را با بیرون در مغایرت می بیند. بتدریج در طول نیمسال دوم دراپایز، تحولی پدیدار می گردد. در مدرسه سنت نیکلاس یک دانش آموز آفریقایی - آمریکایی به اسم دونالد. میلر (جوزف فاستر) مشغول به تدریس است. کسی که پدر فلیپ او را تشویق به انجام دادن ورزش می کند و منصب موعظ محراب را به او می سپارد. تمام این کارها به خوبی انجام می گیرد. اما خواهر جیمز اعلام می کند که کشیش فلین دونالد را تنهایی به اتفاق خودش احضار کرده است. خواهر جیمز بر این باور است که احتمال وقوع کاری غیر اخلاقی می رود و مادر آلویز را که چشمانش از فرط تنگ نظری و کشیدگی همانند گرگ می ماند، آگاه می سازد. اما "شک" قصد این را ندارد که درام - مستندی درباره سوء استفاده جنسی باشد. پاتریک شانلی فیلم را براساس نمایشنامه برنده جایزه پولیتزر و هم چنین تونی، نوشته خودش کارگردانی کرده است و همانطور که از اسم پیداست، فیلم تماماً درباره یک "شک" است. شک در دنیای قطعیت (یقین). از نظر آلویز، فلین بدون رد خور، گنه کار است. اینکه فلین بی گناه به نظر رسد و یا احتمال دارد خواهر جیمز فقط از روی عجله و اشتباه آن خبر را داده باشد، کاملاً برای مادر آلویز بی معنی است. فلین می داند که یک تهمت ناروا، میتواند زندگی و کارش را نابود کند. اتفاق دیگری هم می افتد. دنیای واقعی وارد دنیای مهر و موم شده میشود و مابین این دو نقطه درگیری صورت میگیرد. مادر دونالد (ویولا دیویس) می ترسد که مبادا پسرش را از مدرسه اخراج کنند. دونالد همچنین متهم به نوشیدن جرعه ای شراب از محراب است. بدتر اینکه پدر فلین این اتهام را بر او روا میدارد. "شک" همچنین موضوع خطابه پدر فلین در آغاز فیلم است. شک در کارسوخ به درون کلیسا و آمریکا در سال ۱۹۶۴ بود. آیا هنوز با خوردن گوشت در جمعه ها به جهنم میرویم؟ "شک" فیلم نامه ای غنی و قوی دارد و با اجرایی خیره کننده و قوی تزئین شده است.



متقد: راجر ایبرت
 نام فیلم: شک (doubt)
 کارگردان: پاتریک شانلی
 بازیگران: مریل استریپ، فلیپ سیمور هافمن، امی آدامز

یک مدرسه کاتولیک در سال ۱۹۶۴ به نظر دنیایی بسته و مهر و موم شده می آید. مدرسه سنت نیکلاس در برانکس که توسط مادر آلویز، مدیر سخت گیر و تندخوی آنجا که دانش آموزان و راهبه ها را چهار چشمی میپاید و اخیراً با کشیش های منطقه سر ناسازگاری پیدا کرده است، اداره می شود. مسئله آنها به نظر بر روی اصلاحات و اتیکان دوم که هنوز در جریان است و پدر فلین (فلیپ سیمور هافمن) بعنوان مترقی، مجری اجرای آن است، متمرکز شده است. این مسئله اما برای مادر آلویز رنج و عذاب است.

بعضی بر این عقیده خواهند بود که کاراکتر مادر آلویز که کاملاً خشک و بدون هیچ اشاره ای به شوخ طبعی توسط مریل استریپ بازی شده، یک کاریکاتور است. در هشت سالی که در مدرسه کاتولیک ها بودم، از راهبه های دومینکن بغیر از خوبی و مهریانی هیچ چیز ندیدم. هرگز من از آنها ترسیدم و تنها یک بار در سال اول خواهر آمبروستا با انگشتی که در دست داشت، ضربهای به سرم زد. اما به وضوح یاددارم که از خواهر گیلبرتو - مدیر مدرسه - می ترسیدم و یک باری که من را به دفترش فرستادند، از ترس پاهایم کاملاً شل شده بود. او هیچوقت کاری از روی غضب انجام نمی داد. تنها طوری وانمود می کرد که مدیری است. مادر آلویز در فیلم "شک" از تمام تأثیرات سوء جهان مدرن که حتی یک خودنویس را هم شامل می شود، نفرت دارد. درست

THE CHANGE

Magazine

Why Do Bad Things Happen to Good People?

I've found that when most people ask this question, there's a hidden personal pronoun in it. It usually is "Why do [you God, let...] bad things happen to people? It's an accusation we bring to God, sometimes because we don't understand, but most usually when we are experiencing an acute pain in our life...a relational hurt; a physical problem or illness; maybe even a painful circumstance, like being falsely accused, blamed, fired, or generally put upon. You get the idea. Now, let's take the most gut-wrenching example, the death of a child, and see if together we can't make better sense of why God would allow the bad to exist. Why would God allow that? Why would God allow a child to lose his or her little life? From God's perspective, that life is not lost. God is able to restore to that child their life, so no loss is suffered on the part of the child. Life is not lost to the One who can restore it. What about the grief that parents and family experience? In our loss, the presence of God is available for us to experience His strength, His comfort, His sustaining love and assurance in the face of the evil that exists. God sustains those who grieve for those He calls to Himself. What about the skeptics, who wonder how a loving God could allow such a thing? The taking home of a child to be with God can awaken in the most hardened of skeptics the moral reality of God. In asking "How could you God?", it presupposes a moral authority who chooses the "hows" of life, the "hows" that it works by. So whether it's the child, family or skeptic...all have a witness of the reality of God. The existence of evil points to the reality of a God who can overcome even the bad. And we'd want no less a God. My hope is that in asking this question, you will find His comfort of His presence breaking through the hurt to reveal the love of His Son Jesus right where you are.

PERSONAL GROWTH

Setting Christ-Centered Goals
By Kevin Nuber

CBN.com - Have you heard them yet? Scores of people talking about "New Year's resolutions?" Have you tried making those kinds of promises to yourself, only to find that they usually never last beyond January 31st? Shortly after becoming a Christian, I began making resolutions "before God" and declaring everything from losing weight and eating better, to reading more good books and turning off the television. Dare I say it? They didn't last long. What happens? How do our good intentions derail so easily? Should Christians even engage in the practice of making resolutions? We would probably all be surprised how many do not. Obviously, resolutions are helpful and productive when they are accompanied by heartfelt "resolve." This is perhaps the problem that confronts too many of us -- we are simply not serious enough to change. We get caught up in the moment, making some declarations we don't really mean, and are not willing to follow through to fulfillment. But we desire to change. We sense a need to change. Every January 1st brings another opportunity to effect change. So, what happens to the change? For centuries, January 1st has marked more than the beginning of the Gregorian calendar year. This date holds an almost spiritual sense of completion (of the previous year) and expectation (of the coming year). There is a natural awareness of change at this time of year. Even those traditional symbols of year end -- the old man with the long beard, and the baby in diapers -- spell newness and impending change. But how does this relate to the believer? Can we anticipate change just because of the new calendar year?

Is God motivated by our calendar observances? "For I am the Lord, I do not change" (Malachi 3:6, NKJV). We take great comfort in knowing that the Ancient of Days never changes. The Alpha and the Omega has no beginning and no end. We rejoice in the revelation that *Jesus Christ is the same yesterday, today and forever* (Hebrews 12:8). Changelessness is part of the very nature of God. But change is part of the nature of man. God has created us to change, and His revealed will for mankind changes, not because of a character flaw on His part, but because our nature requires and thrives on change. Consider God's revelation to Jeremiah (29:11): "For I know the thoughts that I think toward you, says the Lord, thoughts of peace and not of evil, to give you a future and a hope." Imagine God thinking about our future! He desires us to have hope -- a confident expectation of blessing and provision in the days ahead. Hope causes us to walk forward into our future with faith and anticipation, even though we don't know every detail concerning our future. Someone once said that if God showed us every detail of our lives, all at one time, we would sit down at that point and refuse to face another day! We were not created to contain omniscience (the quality of knowing everything) like God. So, He reveals our future to us in portions we can digest -- like a loving parent feeding their child only the texture and amount of food that their child can sustain. God wisely only reveals what we can understand, perceive, and apply at that time. Knowing this, I am intrigued by the scriptures that speak of God declaring and doing "new" things: "Behold, the former things have come to pass, and new things I declare; before they spring forth I tell you of them" (Isaiah 42:9). "Do not remember the former things, nor consider the things of old. Behold, I do a new thing, now it shall spring forth; shall you not know it?" (Isaiah 43:18-19). "Remember the former things of old, for I am God, and there is no other; I am God, and there is none like Me, declaring the end from the beginning, and from ancient times things that are not yet done, saying, 'My counsel shall stand, and I will do all My pleasure' ... indeed I have spoken it; I will also bring it to pass.

I have purposed it; I will also do it" (Isaiah 46:9-11). Careful and thoughtful study of these scriptures show us that God is not intending to do something capricious or whimsical. He is deliberately leading each of us to specific moments of destiny with which He is already completely familiar! Several years ago, I listened intently to a Christian teacher ministering from Habakkuk 2:1-4 concerning living by vision, and learning to establish God-centered goals for our lives. This teacher very passionately taught that we must first discern the vision of God for our lives by taking time to hear God's voice in prayer. From that point, as Habakkuk records,

we should "write the vision and make it plain..." so that "...he may run who reads it." The teacher taught that God's vision is His will for our lives, and that we should write on paper what we perceive His will and destiny for us to be. We must also be careful to note that: "the vision is yet for an appointed time; but at the end it will speak, and it will not lie. Though it tarries, wait for it; because it will surely come, it will not tarry (forever)."



The Change Magazine

Tabdil@iranforchrist.com
www.Tabdilmagazine.blogfa.com
www.IRANforCHRIST.com

TEL: 818. 522. 1525

P. O. Box 371043
Reseda, CA 91337 USA

The Bible tells us that when a Christian dies we go HOME.

kids only

